



سه شنبه ۲ ذیحده ۱۳۹۱ - ۳۰ آذرماه ۱۳۵۰
۲۱ دسامبر ۱۹۷۱

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی بعد از ظهر سه شنبه (۳۰) آذرماه ۱۳۵۰

فهرست مطالب

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- ۲- تقدیم يك فقره تلگراف بوسیله آقای امام مردوخ.
- ۳- ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع بلايحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور.
- ۴- تصویب صورت جلسه عصر یکشنبه ۲۸ آذر ماه.
- ۵- ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع بلايحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور.
- ۶- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه.

مجلس ساعت ۴ بعد از ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.
(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان :

اخلاقی - عبدالحسین آموزگار - خانم آصف زاده
خانم ابنهاج سمعی - ایلخانی پور - حبیب بهبهانی -
دکتر جزایری - حق شناس - دکتر خطیبی - ذوالفقاری -
رشیدی - خانم دکتر سرخوش - سمعی - شاخوئی -
شیخ بهائی - طباطبائی دیبا - دکتر عظیمی - غضنفری -
دکتر غنی - فتوحی - فروتن - کشفی - دکتر فروزین -
فیصلی - دکتر کفائی - کمالاتی - دکتر کیان - دکتر
لقمان ادهم - مظاهری - موقر - بختیارها .

غائبین مریض - آقایان :

پرویزی - دکتر اسکوتیان - خانم اقبال - بدرخانی -
دکتر یحیی بهبهانی - پروین - مهندس جلالی نوری - خانلر
قراچورلو - کاظم مسعودی - دکتر مشایخی - دکتر
یگانگی .

۲- تقدیم يك فقره تلگراف بوسیله آقای امام مردوخ

رئیس - آقای امام مردوخ فرمایشی دارید؟

امام مردوخ - جناب آقای رئیس، تلگرافی است
از طرف عشاير جوانرود و افراد رشید منطقه اورامانات
که استقرار نیروی شاهنشاهی ایرانرا در جزایر تنب و
ابوموسی تبریک عرض و آمادگی خود را برای اعزام
بجزایر خلیج فارس مالا و جانا اعلام داشته و استدعا

نموده اند مراتب را بخاکهای شاهنشاهی معظم و مفخم معروض تابناکسب اجازه از پیشگاه ذات اقدس شهرباری کلیه افراد عشایر و مرز نشینان باغروور ملی و احساسات پساک و طخواهی بجزایر خلیج فارس رفته دوش بندوش برادران سرباز خود در مقابل مخالفین حقیقت و انسانیت مخصوصاً پارو دسته یعنی ها جانبازی و فداکاری نمایند، که عیناً تقدیم میشود.

۲- ارائه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع بلاجه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشود کمیسیون کلیات لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور مطرح است آقای زهتاب فرد تشریف بیاورید.

زهتاب فرد - با کسب اجازه از مقام معظم ریاست همکار محترم آقای امام مردوخ مطالبی راجع با احساسات عشایر ایراد فرمودند و در روز پیش من در تبریز بودم از نزدیک دیدم مردم استان آذربایجان در باره توفیق اخیر ایران چه احساسات و چه شور و چه هیجانی داشتند و هر کس بنوعی از حق شناسی از عنایت شاهنشاهی و رهبری معظمه می کرد همچین از سربازی و مجاهدت و شجاعت نیروی ارتش دلیر ایران ستایش می کرد این احساسات در سطح مملکت در تمام طبقات حاکم بود من وظیفه داشتم در اینجایابین مورد اشاره بکنم مگر مردم مناظرند که بخصوص درده سال اخیر از انقلاب سفید با نظرف هر روز خیرهای خوشی داریم خیر هائیکه برای ما و نسل ما غرور انگیز است مکرر تکرار شده است خوشبختانه طراح اینها منحصر اول شخص اول مملکت و مجریش ملت ایران و ارتش شاهنشاهی است و بجا خواهد بود که در اینجا از نیروی انتظامی مملکت که با قبول خطرات قطعی و حتمی در برابر دسیسه های خانمان بر انداز اجنبی و نقشه های شوم آنان آماده هر گونه فداکاری هستند و انجام میدهند تجلیل بکنیم. امروز میدانیم که زمینه دسیسه سازی، زمینه صحنه سازی، زمینه اجرای بعضی از افکار مالیخولیائی در این مملکت بکلی خشک شده و اگر گاهی چند فرد منحرف آلت دست سیاست اجنبی قرار می گیرد خوشبختانه بیداری و هوشیاری سازمانهای انتظامی با الهام از ملت ایران تمام توطئه ها را در نطفه خفه می سازند، برگردیم بقطب اصلی و ادامه عرایض سخن را با سر مسایات

شاهنشاهی در هیئت دولت در یکی از جلسانشان آغاز میکنم شاهنشاهی میفرمایند بعضی از اوقات می شنوم نسبت به مأمورینی که گزارش داده اند شهرت خوب ندارند، (توجه بفرمائید بدقت نظر و تیزبینی و علاقه رئیس مملکت و توصیه های مؤکدی که از طرف شخص اول مملکت میشود) یا مرتکب خلاف کاربهای شده اند تصمیمات ملایمی گرفته میشود و فقط محل مأموریت آنان را تغییر میدهند اینگونه اقدامات به مسخره بازی بیشتر شباهت دارد (شیخ رضائی - قابل توجه اولیای امور و وزارت آموزش و پرورش) باید پرونده این مأمورین را به دادگستری بفرستید و تا وضع آنها، شیخ رضائی عزیز در اینجا به پرونده ای اشاره کردند جواب داده شده که پرونده ای است که تحت رسیدگی است اما پرونده يك سال پیش تشکیل شده چه عواملی چه دسته های جلوی تعقیب را يك سال گرفته اند من هیچ وارد جزئیات امر نمیشوم پرونده در دادگستری مطرح است قاعدتاً قضاوت صحیح قضائتی است که تا اعلام نکنند مجرم است در مظان اتهام قرار دارد اما يك سال پرونده ای میماند و بعد برای همان شخص يك پست حساس دیگری هم داده میشود در انتظار عامه در يك کادر وسیع آموزشی در کادری که بچه های من و شما را تربیت میکند قبول بفرمائید موجب دلسردی میشود (شیخ رضائی - تشویق هم میکنند) من قبل از قضاوت نمی خواهم نتیجه گیری کنم این صحیح نیست ما حق نداریم با حیثیت اشخاص بازی کنیم ولی وقتی بهر ملاحظه ای از ملاحظات پرونده ای تشکیل میشود این نیز صحیح نخواهد بود که يك سال صاحب پرونده دارای شغل حساس دیگری باشد شاهنشاهی میفرمایند، چون جناب وزیر محترم دادگستری تشریف آورده اند و مطلب مربوط بدادگستری است با اجازه آقایان مطلب را دوباره میخوانم و بعضی اوقات شنیده میشود نسبت به مأمورینی که گزارشات خوبی از آنها داده نشده یا مرتکب خلافکاری شده اند تصمیمات ملایمی گرفته میشود و فقط محل مأموریت آنها را تغییر میدهند اینگونه اقدامات به مسخره بازی بیشتر شباهت دارد پرونده مأمورین را به دادگستری بفرستید و تا وضع آنها روشن نشده کاری بآنها رجوع نکنید البته این بآن معنا نیست که پرونده ای

سبب شود که يك فرد سالها بیکار بماند باید پرونده زودتر رسیدگی شود می خواهم عرض اینکه من جلوی کارهای شما را بگیرم و بگویم يك کمی بواش تر شما کاری کنید که افکار عامه و مردم راضی باشد بر کنار کردن آنها همه روزه دستور داده میشود و تأکید هائیکه خودتان میکنید این را صادقانه پیاده کنید برای نمونه يك دفعه هم بگویم آقایان يك کمی بواش تر « این يك اشارتی بود از دید شاه مملکت نسبت به تعمیم عدالت جای دیگر میفرمایند يك قسمت از عدم رضایت مردم از دادگستری است « این بیانات اعلیحضرت همایونی در هیئت دولت است در جلساتی که مخاطبشان وزراء هستند خطاب به وزراء میفرمایند « يك قسمت از عدم رضایت مردم از دادگستری است که وظیفه خود را بخوبی انجام نمیدهد عدالت باید با قوی و ضعیف یکسان رفتار نماید مردم معتقدند که اقویا و متنفذین و صاحبان مقام و منصب هر عملی مرتکب میشوند تحت تعقیب قرار نمیگیرند و حقوق اشخاص ضعیف اغلب باهمال میشود این اعتقاد مردم است « این بیان شاهنشاهی مملکت و رهبر مملکت است شأن نزول مجلس شأن بررسی در تحولات فکری انقلاب مشروطه بر مبنای عدالت خواهی است و هنوز هم که هنوز است خوشبختانه همانطور که قبل از ظهر بعرض آقایان رساندم مردم انکاشان در دستگاههای مملکتی بیش از همه بدادگستری است و نهایت خوشحالم که بگویم دادگستری از این لحاظ فوق العاده غنی است شخصیت های پاکدامن، خوشنام، فداکار، سالم و صاحب تجربه در صندلی قضا با قبول محرومیت های زندگی خدمت می کنند باید دادگستری را بیش از هر سازمان دیگری تقویت کرد قضات را در کارشان در تصمیماتشان تقویت کرد آزادی دادو زندگیشان را مرفه و تأمین کرد چرا باید کاری بکنیم چرا باید پرونده ها سالها طول بکشد چرا باید مردم این اعتقاد را پیدا بکنند که متأسفانه هنوز هم متنفذین در دستگاه قضا نفوذ دارند تا جائیکه بصورت اعتقاد عمومی در بیاید و شخص اول مملکت آن را از زبان مردم بازگو نماید کدام يك از این پرونده ها در مراحل صحیح خود طی میشود هر دعوائی که کارش بدادگستری می کشد متأسفانه بواسطه ضعف سازمان های قضائی و کادر ضعیف

قضائی مردم ناچار میشوند اگر يك شکایتی از آذربایجان از سیستان از بلوچستان دارند یا بکلی صرف نظر بکنند یا بقیه هستی شان را در گرو حل يك مشکل قضائی بگذارند ما انتظار داریم وزارت دادگستری هماهنگ با انقلاب تصمیماتی برای حل مشکلات و پرونده های خاک و گرد گرفته دادگستری اتخاذ بکنند و مردم را برای همیشه پشت باین سازمان حساس دلگرم و امیدوار سازد شاهنشاهی درباره نشر حقایق تذکراتی با دارة انتشارات و رادیو میدهند که من جمله کوتاهی از آن را میخوانم (مظهري - بفرمائید وزارت اطلاعات) ما هنوز آن کلمات اولیه را در ذهن داریم میفرمایند باید دستگاه تبلیغات و رادیو باید آن رویه ورل ابتذال طرفداری از دولت و تعصب خشک و بی جا را تغییر دهد و انتقادات معقول و بدون غرض مردم را منتشر کند اگر دستگاههای انتشارات درخواست اصولی مردم را و خواسته های مردم را با سمع دولت برساند يك اعتماد عمومی ایجاد میشود متأسفانه ما سعی داریم نهایت تلاش می کنیم آنچه میکنیم همه در راه رضایت وزیر مربوط باشد من نمیدانم به جانب آقای صادق احمدی یاد آور شده اند که پرونده های که از طرف بازرسی شاهنشاهی راجع به تخلفات بعضی از مأمورین دولت ارجاع شده تقریباً تکلیف هیچ يك از اینها تا امروز روشن نشده است (صادق احمدی - چنین چیزی نیست) بگویم خورد که فرمودند چنین چیزی نیست در بیرون شایع شده در روزنامه ها اشاره شد همانطور که آقای شیخ رضائی اشاره کردند يك سال تمام است جواب و نتیجه داده نشده است.

صادق احمدی - با ادعای نامه رفته بدادگاه.

زهتاب فرد - با ادعای نامه میفرمایند رفته بدادگاه بهمین شخص با تذکر صحیحی که شاهنشاهی فرمودند که تا وضع پرونده آنها روشن نشده کاری داده نشود يك پست حساس دیگر هم داده شده است اینها باعث تأسف است من نمی خواهم وارد مسائل شخصی بشوم راجع به اوقاف حرفهایی بگوشتان خورده است بار شنیدید و میدانید که پست حساس دیگری داده شده است اما مسائل را می خواهید جدی تلقی بکنید یا می خواهید مایک حرفی بزنیم و بگوئید

پرونده رفته بفلان جا بفلان جارفتن پرونده که يك سال طول کشیده يك راه است و پست حساس دادن يك راه دیگر در خطر یأس عمومی است خطر اینکه در سازمانی گفته شود بحق یا به ناحق خدای نکرده فلان رئیس و فلان مسئول دارای پرونده است ولی امروز بر ماحاکم است این نمیتواند در آن سازمان تحرك ایجاد کند این صحیح نیست این بمصلحت نیست این به صلاح عامه نیست این بامواد انقلاب و روح انقلاب نمی خواند يك وقت بود این نوع کارها برداشت روز بود میرفتند میگفتند فلانی در فلان مقام آلودگی دارد میگفتند ولش کنيد طرفدارش خیلی قوی است میرفتند یکی از متنفذین روز را بنام طرفدار او اسم میردند شنونده هم خفقان میگرفت میگفت نمیشود کاری کرد سابق بر این پست ها، عناوین و مقامات متأسفانه بوسیله متنفذین تحصیل میشد و این متنفذین پشتیبان و حامی آنها بودند اما امروز خوشبختانه این برداشت بکلی محکوم است و اگر یکی دومورد نیز بچشم می خورد که انشاء الله به تحقیق آرزوی ما این است مغرضانه بوده و این پرونده ها بجائی نخواهد رسید و اینها تیره خواهندش اما تا تیره نشده اند مردم را از دستگاه قضا مأیوس نکنید بازرسی شاهنشاهی هر سال يك بار راهی استانها میشود ده هزار پنج هزار سه هزار پرونده تحویل میگيرد از توی اینها مقداری را میفرستند به دادگستری بنده میدانم راجع به تلفن پرونده ای داریم کار بکجا رسید چرا مردم را در جریان نمیگذارند خوب مردم ذی نظرند در مسائل شرکت واحد بهر حال سرونه قضیه را هم بهم آوردند و به مبلغی محکوم کردند و بقیه مراتب به سکوت برگزار شد سکوتی درد آور و سکوتی یأس آور، سکوتی که با کار انقلاب نمی خواند من به تبریر همراه سازمان بسازرسی شاهنشاهی که رفته بودیم بدنیت بشنوید از شهرداری خاطر من نیست سی و چهل نفر را صالح تشخیص ندادند برکنار کردند دو تا معاون نشان را هم برکنار کردند رئیس همان سازمان آمد شد معاون استانداری و فرمانداری بلافاصله بعد از اینکه ما این ۵۰ و ۶۰ نفر را متخلف تشخیص دادیم و دو معاون را برکنار

کردیم رئیس شهرداری را کردند معاون استانداری و فرمانداری (بکنفر از نمایندگان - رئیس شهرداری یعنی چه؟) یعنی شهردار وقت ما فرماندار وقت را تقریباً صالح تشخیص ندادیم یعنی بازرسی شاهنشاهی او را صالح تشخیص نداد تعویض او را متذکر شد مقام معظم استناداری برای ایشان مجلس تودیع ترتیب داد تمام رؤسای ادارات را دعوت کرد و تمثال اعلیحضرت را هم بعنوان تشکر بایشان هدیه کرد این کارها باروح انقلاب نمی خواند این کارها به صلاح نیست این کارها نوعی سنگ انداختن جلوی انقلاب است سعی میکنم عبارت طوری باشد که مجلس ناراحت نباشد، این صحیح نیست، مردم ایران خدمتگزاران شان را تأیید میکنند اگر می بینید بعضی وقتها پست سر بعضی حاحرفهائی زده میشود بلحاظ اینکه متأسفانه آنها را در برابر برداشت انقلابی تأیید نمیکنند من باور بکنید این آقای شهرستانی را که برادرشان هم نماینده مجلس است نمی شناختم و خود آقای شهرستانی استاندار کرمانشاه را شاید دوسه دقیقه رهگذری در مراسم دیده ام اما من وقتیکه افتخار استان بوسی حضرت رضاه ع را داشتم از همان حرم تلگراف بعنوان پیام يك ایرانی، تلگراف سپاس باین مرد زدم خدای من شاهد است وقتیکه در جرم مطهر بودم بالله، والله بنام يك ایرانی از يك خدمتگزار شاهنشاه در همانجا به پیشگاه الهی متوسل شدم و سلامت و ادامه خدمت ایشان را مسئلت کردم (احسن) از همانجا تلگراف تبریک زدم قبول بفرمائید منم ایشان را دیده بودم و نه کاری با شهرداری داشتم نه ارتباطی و نه ایشان امضای مرا توانست بخواند که جواب بدهد فقط نوشتم زنتاب و جواب هم نگرفتم مردم ایران خدمتگزار را می شناسند و من وقتی صادق احمدی وزیر شد تمام تشریفات حزبی را کنار گذاشتم و اظهار خوشوقتی کردم برای اینکه خدمتگزاران را نباید مأیوس کنیم این خیانت است مردم تمیز میدهند مردم بسوابق احترام میگذارند من اگر قبل ظهر از آقای سرتیپ پور اسم آوردم برای این بود که مردی خدمتگزار مملکت است و اینجا آقای پاینده را هم ندیدم حتماً تشکیلات حزب بمناسبتی صلاح ندیدند که ایشان و کیل شود آقای پاینده

کسیکه در کنگره ایران شناسان عضو کنگره بود من هر وقت بیاد ایشان میافتم بواسطه تلاشهای ادبی و علمی از ایشان بخوبی یاد میکنم حتی همین وزرانی که در کابینه فعلی هستند اکثر آ از خود من تلگراف تبریک دارند من نمیخواهم در صحبت هایم بایشان باصطلاح رشوه بدهم نمیخواهم بواشکی تلگراف را بگذارند در جیب و خدای نکرده همینطور چهار کلمه ایراد بگیرم غرضم این است که در تشکیلاتیکه امروز داریم باید دقت کرد رهبر مملکت را نسبت باین اقدام شجاعانه دلگرمی بخشید بارش را سبک کرد در مسابقه خوشرقصی شرکت کردن کار ساده ای است باید سعی کرد زمینه هر نوع انحراف را خشک ساخت ما بجای اینکه برویم و دستگاههای انتظامی جان خودشان را فدا کنند و برای ما کشف شبکه کنند باید خود ما کم کم شبکه ها را نشانشان بدهیم يك روز يك مناسبتی یکی از امراء ارتش این ماجرا را به بنده گفت البته مربوط بچند سال پیش است گفت چند روز پیش متوجه ماجرائی شدیم و آن این بود که يك افسر جوان وقتی ما کسانی را بانها ام اخلاص بازداشت میکردیم این افسر جوان راهی که میرفت آنچنان تند و غیر قابل تحمل بود که من بهش می گفتم این صحیح نیست که این جوان دانتش جو را شامد و سه سال در زندان کنيد در فلان جاشعاری داده جوان است نفهمیده مجازات هم البته دارد ولی دو سه سال که نباید زندانی شود بهر حال با اینکه درجه پائین داشت همیشه گفتگو داشتیم و اعتراض داشتیم او می گفت نه بمقدسات ملی بی احترامی کرده و باید ده سال هشت سال مجازات شود يکروز یکی از افسران بالاتر آمد گفت فلانی این افسر آمده در اطاق من و برای من دارد پرونده سازی میکند گفتم ماجرا چیست؟ گفت این اتفاقاً آمد به اطاق من این راهم بگویم این حرفها شاید قدری هم گفتن آن بصلاح نیست اما انسان وقتی که سر باز شد صفاتی را کسب میکند که ولو اینکه مطالبی بضرر شخص آدم تمام بشود باید بیان کرد خلاصه گفت این آمد باطابق من و پرسید این تمثال اعلیحضرت همایونی چرا این پائین است گفتم ديروز یاد آمده و این تمثال پائین افتاده و شیشه آن شکسته امروز میخواهیم شیشه بیاندازیم و نصب کنیم گفت شما

چگونه تحمل کردید این تمثال همایونی از اول صبح تا حالا این پائین باشد و خلاصه بقدری سروصداه انداخت که دیدم درست نخواهد بود آمده ام بشما گزارش بدهم که منظور این افسر چیست و پرونده سازی نکند سروان را صدايش کردم و گفتم که البته شما احساسات و وطنپرستی دارید و بهر حال قانعش کردیم بعد گفت بعد از مدتی که شبکه توده کشف شد این افسر جوان جزویکی از این سازمان ها بود که با این نوع برداشتها میخواست نارضائی را زیادتر کند و آنها را که واقفاً در توده اندرد کند ولی آنکه حرفی زده طوری رفتار کند که خانواده ها ناراضی کند حالا اعتقاد من این است درست است که يك کمی باز صحبت کردم ولی باز هم اشارتی بود، اعتقاد من این است که ما برویم گاهی ببینیم بعضی از نارضائیا اصلش از کجا سرچشمه میگيرد این قابل تأمل است وقتی ما خدای نکرده اغماض میکنیم تخلف يك فردی را، آنجاست که يك شبکه میسازیم این است که در لباس وطن پرستی برای مملکت و فردای مملکت درد سرا ایجاد میکنیم باید اندیشه و تأمل کرد که چطور میشود گاهی چند نفری منحرف میشوند بعضی دستگاهها بهانه بدست میدهند بهر حال باین موضوع اشارتی شد و رد میشود انقلاب بخاطر اکثریت مردم است بخاطر زارعین کشور و زحمت کشان مملکت ارائه شده و باید تمام حواس ما جمع این امر باشد که کار این طبقه را سرو سامانی بدهیم وزیر محترم اصلاحات ارضی که از سربازان جانباز شاهنشاه هستند و صمیمانه در این راه تلاش میکنند باید توجه بفرمایند روز بروز بر گرفتاریهای زارعین افزوده میشود با مشکلاتی مربوط میشوند اینها جایی را نمیشناسند اگر ديروز نا آگاهانه يك مأموری بحقوق اینها تجاوز میکرد با دو سه كيلو گره و پنیر و یکی دو تا مرغ راهی خانه ارباب میشدند و با ارباب که خود یکی از متنفذین و ارکان جامعه بود درد دلشان را در میان میگذاشتند و چه بسا توفیقی هم پیدا میکردند ولی حالا بکجا باید مراجعه کنند مثال زدم.

شروع میکنند بعریضه نگاری نه یکی نه دوتا نه سه تانه چهار تا فصل میگردد و خبری نمی بیند خشکسالی میشود بندر ندارد تا مکاتبه بشود بندر برسد يك عده سرگردانند (مهندس سهم السیدینی - دستگاههای اعتباری بهشان اعتبار میدهند) در صداقت و صلاحیت مأمورین شان هیچ شکی نیست اما اگر در يك دهکده دو سه ماه غفلت بشود این سبب خواهد شد که از کار آباء و اجدادی دست بکشند و در شهر سرگردان باشند خانه های فرهنگ روستائی تشکیل شده آموزش روستائی دارید در آموزش روستائی نهایت سعی باید بشود که اینها کار یاد بگیرند برنامه ها طوری باید تنظیم شود که نهرانها را جذب کند اگر در این امر برنامه دقیقی نداشته باشید با ناکامی مواجه خواهید شد موضوع کارگران موضوع روز است ما امروز معظم ترین کارخانجات و تأسیسات را داریم کارگران در سطح بالا هستند بکار اینها و به بیمه های اجتماعی و بزندگی و حقوق اینها باید رسیدگی بیشتری بشود شما وقتی میفرمائید بیمه های اجتماعی از شرکت واحد يك رقم درشت طلبکار است این معنی اش این است که دست بیمه های اجتماعی باز نخواهد بود که برای کارگر درمانگاه بسازد برای اینکه اکثر رقمهای درشت است و اگر اینها وصول بشود طبعاً در راه رفاه کارگر مصرف میشود بکارگر باید اطمینان کامل داد که وقتی خانواده اش مریض میشود وقتی بدرمانگاه مراجعه میکند طبیب با دقت معالجه خواهد کرد و دوای مورد نیازش را خواهد داد، آن وقتی تعمیم داده خواهد شد که بیمه های اجتماعی مطالبانش را وصول کند. به بنده پله آور شده اند که من تا حدودی مطالبم را کوتاه بگویم و فرصتی باشد تا موافق دولت در فرصت مناسب صحبت بکنم. اگر بخوام درباره یادداشتها حرف بزنم همانطور که اشاره رفت سه چهار ساعت وقت خواهد گرفت این است که کوتاه می آیم همین الساعه داشتم می آمدم یکی از آقایان ترجمه يك نشریه خارجی را که درباره تلاشهای صمیمانه پلیرس ایران در امور جرم شناسی منتشر شده بود بمن داد و گفت این را ببزید بخوانید اظهار نظری است که رئیس

پلیرس بین المللی در مورد تحقیقات در آزمایشگاه جنائی شهر بانی ایران بصورت خطوط برجسته و يك مقاله علمی چاپ کرده البته من متن مطلب را نمی خواهم بخوانم ولی باید بگویم که همه ما احساس غرور میکنیم از تشکیلاتی که داریم از کارهای مثبتی که شده و از برداشتی که قیافه مملکت را عوض کرده خلاصه میکنم اشارتی شد که موافق دولت هم فرضی می خواهد که صحبت کند و شاید امروز مجلس کارش تمام شود این است که با حوصله دوستان و نمایندگان محترم حزب حاکم حزب اکثریت و دوستان هم منسک بخش مخالف امیدوارم اگر در عرایضم کمی تندی بود، تندی بنظر رسید خواهند بخشید (احسنت) رئیس - آقای دکتر متین بفرمائید.

دکتر متین - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم بنام خداوند بزرگ و بنام نامی شاهنشاه آریامهر بعنوان ناطق چهارم حزب اکثریت سخنانم را شروع میکنم چند روزی است لایحه متمم بودجه برای تصویب در مجلس مطرح است نمایندگان محترم از مبلغ آن و کم و کیف آن و تبصره های آن و جزئیات آن بالاخص ضروریات آن مطلعند، و افسند و بالاخص نمایندگان حزب مردم درباره این لایحه همانطور که خود شما گواه عینی هستید سخنرانیهای مفصلی ایراد فرمودند همه ما گوش کردیم چون مطالبی در اینجا عنوان شده که صورت مخالفت و یا عدم موافقت با این لایحه مفید که مرهون درایت حکومت و دولت است لذا از طرف حزب اکثریت مطالبی را در دفاع از این لایحه بیان می کنم همه نمایندگان محترم میدانند که متن لوایحی که در مجلس شورای ملی مطرح میشود لایحه بودجه و عنداللزوم متمم آن طبق آئین نامه داخلی مجلس آنچنان لایحه ایست که در حد اعلائی آزادی و امکانات بالاخص از لحاظ وقت بهر نماینده ای اجازه میدهد که بدون محدودیت در چهار چوب برنامه دولت و کارهای دولت صحبت کند از پشت همین تریبون دوستان عزیزم گفتند تلویحاً یا تصریحاً که آزادی گفتار نیست در ایران از پشت تریبون های مجالس مقننه در هر جا و مکان همه گونه آزادی گفتار هست الا آزادی در خیانت پس بنا بر این مطلب اول را که اگر گفته شده است که آزادی نیوده یا آزادی نیست صحیح نیست و لذا نباید گفت که آزادی

نیست بنا بر این با عرض این دفاع عرض کنیم که آزادی هست و یادداشت کوچک را که قبل از بیان مطالبم خواستم بعرض برسانم در جیب میگذارم (دکتر موسوی - آزادی در جیب) اگر فکر کنید دوست عزیز آقای دکتر موسوی با مطالبی از آنطرف تریبون میتوانی حواس مرا برت کنی و رشته کلامم را از دست من بگیری اشتباه کردی ثانیاً من داشتم بعنوان مقدمه عرض میکردم و این شعر را میخوانم بخوانم که آنچه می خواهد دل تنگت بگو «اما همکار عزیز من، همکلاس دانشکده حقوق چون بیرون گفتمی چند تا شوخی با تو خواهم کرد از این جهت جواب نخواهم داد و مخلص شما هم هستم چون بعداً يك ناطق دیگر هم هست که از طرف شما بعنوان ناطق مخالف بدون محدودیت وقت می خواهد صحبت کند از ابتدا تا حالا چهار نفر از نمایندگان اقلیت صحبت کردند مطالبی بیان فرمودند من این چهار نفر را بدو دسته تقسیم می کنم اول عرض کنم در حزب مردم خوشبختانه ناطقین بسیار خوبی هستند در حزب مآهم بسیار فراوانند اما شما هم سخنرانان خوبی دارید اما اراج سخن و قدر سخن و ارزش سخن این است که ناطق با واقعیت با حقیقت با اصالت و لوبعضاً مخالف هم شده است مطالبی را از پشت تریبون بسمع نمایندگان برساند که مطالب خود بخود بعرض ملت ایران خواهد رسید سخنوران اقلیت یکی دوست عزیز من شیخ رضائی معلم ریاضیات، معلم جبر و ریاضیات معلم خود بنده بود.

شیخ رضائی - در کلاسهای شب؟ (خنده نمایندگان)

دکتر متین - تلمذ تلمذ است.

دکتر رضائی - قرار بود جواب ندهی.

دکتر متین - حق باشماست یادآوری بفرمائید

سعی میکنم جواب ندهم جناب شیخ رضائی در چهار چوب وزارت آموزش و پرورش مطالبی فرمودند بنده به يك آنها طبق این یادداشتها که اینجا کرده ام بتمام سخنان ناطقین محترم و موضوعات گوناگون ماده بماده و بهار گراف به بار گراف با فاصل بفصل جواب عرض می کنم فقط تمنا دارم حوصله بفرمائید و بگذارید که بنده عرایضم را ادامه دهم، شیخ رضائی معلم ریاضیات است و در اینجا از

نوشتن کتابهای متعدد ریاضی و تدریس بسیار صحیح علم ریاضی که بادقت و حقیقت و واقعیت تمام روی تخته با گچ برای شاگرد ها گفته میشود اشاره کرد من فکر کردم این دانشمند ریاضی با تخصص سی ساله اش (شیخ رضائی - ۱۸ سال) در امر آموزش و پرورش وقتی بخواد ذره بین انتقاد را بگذارد در محدوده ای که خودش در آنجا نشو و نما کرده از آنجا مسائلی را بعنوان انتقاد بگوید و این انتظار هم بود که اگر انتقادی کرد لا اقل راه حلش و راه درمانش را هم بگوید ولی متأسفانه یا بقول علمای علم ادب متأسفانه راجع به ۴ لیتر نفت و کاغذ دیواری صحبت کردند و با راجع به رئیس آموزش و پرورش يك استان که باستان دیگر منتقل شده و حالا به تهران آمده است یا فرضاً معاون خودش و فلان کارمند را از آنجا به تهران منتقل کرده و امثال ذلك صحبت کردند که اگر من بخوام راجع به وزارت آموزش و پرورش فرضاً صحبت کنم و در صف جناب عالی باشم امکان دارد بروم و این چیزهای بسیار کوچک و کم اهمیت را با مقایسه با آنچه در مملکت برای این دستگاه بزرگ آموزشی شده و همین الآن آمار دقیق و جزئیات آنرا بعرضتان میرسانم صحبت میکردم در صورتی که صحبت شما درباره آموزش و پرورش باید غیر از این باشد که فرمودند من فکر میکردم شیخ رضائی عزیز مطالب بسیار والا و عالی و کوبنده ای از این دستگاه بزرگ آموزش و پرورش که ۱۵۰ هزار دبیر و آموزگار دیپلمه و فوق دیپلم و کلاس تربیت معلم دیده و لیسانس دارد و در واقع سپاه عظیم دانش است و فرزندان ما را تربیت میکند صحبت خواهد کرد ایشان راجع به بخشنامه وزارت آموزش و پرورش صحبت کرد که نسبت به فرزندان کارگران قرضاً چنین دستوری صادر شده، کارگران و کشاورزان بموجب منشور صریح انقلاب طبق خواسته شاهنشاه ارجمند و طبق آمار و آرزوی پادشاه ماکارگران و کشاورزان که مولدین ثروت مملکت هستند هم خودشان و هم فرزندان شان روی چشم قرار دارند (آفرین) (شیخ رضائی - ما هم همین را میخوانستیم) بنا بر این اگر بخشنامه آن چنانی بود با سه صدر میگویم که این خود اجرای یکی

از دستورات شاهنشاه محبوب ماست که همین رفاه حال و زندگی پکارمندان دولتی و کارگران و کشاورزان است شاهنشاه او امری در این امور صادر میفرماید دولت آنرا اجرا میکند و لذا این راهم اجرا کرده (شیخ رضائی - پس چرا محرمانه؟) این سفسطه است، شما میخواهید حواس مرا پرت کنید ولی نمی توانید، بخدا نمی توانید، من همینطور منظم از روی این یادداشت میآیم پائین و جواب عرض می کنم اما نکاتی را که ۴ نفر ناطقین محترم حزب مردم در اینجا عنوان کرده اند تمام را یادداشت کرده ام در حد اعلائی ادب و نزاکت و احترام باین تشکیلات سیاسی باسم اقلیت که مورد احترام شاهنشاه ارجمند و ملت ایران و حزب ما هستند من فقط بمطالبشان جواب عرض میکنم و سعی و کوشش میکنم که بتوانم و خدا را هم شاهد میگیرم که سفسطه نکنم و بقول دکتر بهزادی مغالطه هم نکنم و جوابهایی عرض کنم که صحیح و منطقی باشد و جوابها برای شیخ رضائی عزیز قانع کننده باشد پاکراف اول شیخ رضائی عزیز راجع بموضوع تبعیض در ثبت نام محصلین بود گفتند آقا در مملکتی که طبق آمار خودتان بیش از ۵ میلیون نفر در سطح دبستان و دبیرستان و دانشکده و دانشگاه و مدارس عالی و مدارس حرفه ای تحصیل میکنند و واجب التعلیم هستند از کجا که شیخ رضائی جان موضوع این دانشجوی ساختگی نباشد همین مطلب که دانشجو از شهرستان بهران آمد بهش گفتند تو ۱۳۵ نمره داری بعد رسیدگی کردند بازرسی کردند معلوم شد که آقا ۱۳۵ نمره نداشت و کمتر بود باو گفتند تو کمتر داری و جنابعالی نمیتوانی جای نفر دیگری که قدرت مغزی بیشتری داشته و در کنکور شرکت کرده (شیخ رضائی - کنکور بوده) هر چه بوده بگیرد. شیخ رضائی عزیز راجع بکمبود آموزگار گفت. کمبود آموزگار حسن است باید این کمبود وجود داشته باشد تا دولت ماکه شب و روز در فکر پیدا کردن و استخدام آموزگار است و باوسائل مختلف بسیاری از بودجه هارا حذف میکند تا آموزگار استخدام کند در حد توانائی خودش آموزگار بر روستاها و شهرستانها و مراکز شهرستانها

بفرستد بنابراین کمبود آموزگار را شما باکی و با کجا مقایسه میکنید؟ و از طرف دیگر توجه کنید يك مطلب علمی را برای شما شرح بدهم.

در اواخر قرن ۱۸ يك كشيي انگليسي بنام مالتوس (فرهادپور - آقای دکتر علومی فرمودند) نه آفکاری به آقای دکتر علومی نداشته باش مالتوس جامعه شناس انگليسي متخصص علم اقتصاد است جناب وزير اقتصاد هم که اینجا هستند اقتصاد را بیش از بنده میدانند و باین مضامین وارد هستند آقای دکتر معتمد وزیري هم تشریف دارند حضور مبارکشان عرض کنم مالتوس گفته است در اواخر قرن بیستم تولید مثل و بعد جلوگیری از مرگ و میر بچه ها و بالا رفتن حدم متوسط سن و بالا رفتن سن كهولت با تصاعد هندسی بالا می رود (شیخ رضائی - قدر نسبت چقدر است؟) ، احتیاجات زندگی، خوراك، مسكن و نیروی انسانی برای گرداندن این سازمان پیشرفته اقتصادی با تصاعد عددی شما خیال میکنید الآن در کشور متحده آمريکای شمالی کمبود معلم نیست؟ کمبود آموزگار نیست؟ کمبود طبیعت نیست؟ ۷۵ درصد اطبايي که در کشور ۲۲۰ میلیون نفر جمعیتی امريکا زندگی میکنند و در کشور متحده آمريکای شمالی هستند خارجيهاهم هستند در تمام دنیا از لحاظ طبيع، معلم، دبير، آموزگار، استاد بلحاظ احتیاجات مبرم بلحاظ احتیاجات روز افزون و کثرت جمعیت که مدام در حال ازدیاد است وجود دارد و بطور کلی این مطلب بجائی خواهد رسید که مثل دو خط موازی بهم نرسند حالا شما میگوئید فرضاً ما هزار یا سه هزار تا آموزگار کم داریم اینکے نقص کار دولت نشد (فرهادپور - نقص کار اقلیت است!) دولت تلاشش را میکند و نمیتواند از چوب آدم بسازد با امکانات بودجه ای مالی و نیروی انسانی که در مملکت هست و با برنامه ای که ما بصورت چهار نعل، گوش کن، بصورت چهار نعل داریم بسمت مبارزه با بیسوادی جلو میرویم که شاهنشاه الهام دهنده مبارزه با بیسوادی در جهان قلمداد شده و باتمام امکاناتی که داریم میخواهیم وقتیکه میرسیم بدروازه تمدن طلائی همانطوری که هم اکنون افتخار

میکنیم و زهتاب عزیز و دانشمند، هزاران هزار بار از پشت تریبون گفت و افتخارات ما را شمرد ما اثری و آثاری از بیسوادی و جهل در مملکت نداشته باشیم شما چقدر میخواهید از حیث يك نماینده اقلیت يك مطلب که تا این اندازه از لحاظ واقعبت صحیح نیست بباخرده بگیرد که ما در فکر تهیه آموزگار و دبیر نیستیم، اما هستیم ولی تصور میکنم شما خبر نداشته باشید در وزارت آموزش و پرورش و پیشرفت آموزش و پرورش در مملکت آقا جان گوش کن و توجه کن ببینید دولت منبعث از انقلاب باچه قاطعیتی با چه منطق صحیحی با چه برنامه ای که با واقعبت تطبیق می شود در راه آموزش و پرورش برای مردم ایران همانطور که از شاهنشاه الهام گرفته کار کرد، و میکند چون شما ریاضی خوب میدانید مسلماً به فرمولهای اقتصادی هم واردید جناب معاون وزارت اقتصاد وارد است وزارت آموزش و پرورش قبل از انقلاب ایران وزارتخانه ای بود مرکب از وزارت فعلی علوم، سازمان اوقات وزارت فرهنگ و هنر و سازمان تربیت بدنی کشور و شما ببینید از وقتی که دولت خدمتگزار هویدا بر مبنای اصل مسلم و صحیح و خلل ناپذیر اقتصادی که مورد تأیید علمای اقتصاد است فکر کرده سرلوحه تمام برنامه های گسترش و پیشرفت معنوی ملت ایران را در درجه اول آموزش و پرورش قرار دهد و باینکار عمل کرده ضمناً مطالعه کرده است که با این تراکم کار دروزارت آموزش و پرورش با يك لایحه ای که سلف آفایان در دوره های قبل بتصویب رسانده اند گفتند با تأسیس وزارت فرهنگ و هنر و تشکیل يك وزارتخانه جداگانه که بتواند باتبحر و تخصصی که در کارش دارد و با جمع کردن کلیه صاحبان هنرهای ظریف و ترقی دادن هنرهاییکه در ایران بوده و در سالیان دراز در تاریخ ملتها از آن یاد شده چنان فعالیت و کاری نشان داد که تمام هنرهای ظریفه این مملکت مورد تحسین و تکریم و ستایش رؤسای جمهور و پادشاهان و ایران شناسان و شرق شناسان که بمملکت ما آمده اند قرار گرفته است (صحیح است) از آن طرف سازمان تربیت بدنی و از آن طرف وزارت علوم آقا وقتی قبل از انقلاب يك یا دو دانشگاه داشتید

حالا ده ها دانشگاه با ضافه صدها مدرسه عالی دارند این علی التحقیق يك نمونه ای میتواند باشد که ایران تا چه حد از لحاظ پیشرفت علم و دانش بالا رفته و در راه گسترش این دانشگاهها بالاخص از لحاظ تحقیقاتی و مطالعاتی که بزودی هم دوش و هم سطح کشورهای پیشرفته دنیا قلمداد خواهد شد بنتایج مطلوبه رسیده است آقای شیخ رضائی وزارت آموزش و پرورش و پرورش وزارتخانه ای است که اختصاصاً مسئول تربیت جوانان و نوجوانان در سطح مدرسه ابتدائی در سطح مدرسه متوسطه و مبارزه با بیسوادی است و امروز طبق ارقام طبق بیانی موجود و دلایل محکم که کارشناسان بین المللی بدان واقفند مملکت ایران يك مملکتی است که از لحاظ تعلیم و تربیت و گسترش آن و اشاعه آن برای فرزندان نقاط مختلف کشور و سطح روستاها اگر از دیگران که شاید امکانات مالی شان هم بیشتر باشد جلوتر نباشد کمتر نیست و بطور کلی ما می بینیم که این هنر دولت خدمتگزار هویدا در این مورد است همانطوری که در بسیاری از موارد نامور عزیز و زهتاب ارجمند از پشت این تریبون گفتند میگویم آقا شما رفتید سر ۴ لیتر نفت و يك مأمور دولت و غیر ذلك صحبت کردید مطلب مهمتر اینکے گاهی اتفاق می افتد که شخص دیگری از صاحب ادعا بیشتر دلسوزی کند آقای شیخ رضائی اگر در معلمین آموزگاران، دبیران حداعلای رضایت از برنامه هائی که دولت خدمتگزار هویدا با الهام از نیات شاهنشاه برای معلمین انجام داده وجود نداشت در طول این ۸ سالی که گذشت چند صد مرتبه گروه ۵۰ هزار نفری و ۴۰ هزار نفری در خیابانهای تهران نمیگفتند شاهنشاه پای توری چشم معلمان، برای اینکه در سایه کار و کوشش و بزرگداشت آنها از طرف حزب پاسدار انقلاب و دولت حزبی در حد اعلائی رضایت بودند که نسبت به شاهنشاه خودشان که این دولت مورد تأیید معظم له و مورد تشویق معظم له است کسی است که می رود و در سرش رامیدهد دلیل ندارد رضای نباشد اگر رضایت نداشته باشد در مقام شکرگزاری بر نمیآید (فرهادپور - ما هم رضای هستیم امانه از دولت)

دولت برنامه انقلاب را پیاده کرده، آقا اگر ما از شاهنشاه معظم خودمان الهام گرفتیم رهبری خردمندان ایشان را بکار بستیم در حد اعلاى صداقت و کوشش و کار و کاردانی ۸ سال تمام زحمت کشیدیم و بنابر جا رسیدیم که از نظر ترقیات و عمران و آبادی در جمع شئون مملکتی خدمتگزاری دولت خدمتگزار هویدا، دولت منبعث از حزب پاسدار انقلاب به چشم همه ملت ایران میخورد. موضوع دیگر آقای شیخ رضائی، مسئله خانه معلمین بود مسئله زمین بود شرکت تعاونی مسکن معلمین آموزش و پرورش بود اولاً خدای بزرگ را شاهد میگیرم که من با دقت به مطالب شما گوش دادم نفهمیدم چه گفتید بدقت گوش دادم منکه بعنوان ناطق موافق میخوام صحبت کنم و باید به مطالب شما پاسخ بگویم در این مورد نمیدانم چه گفتید یکی از صحبتهای ایشان این است که ایشان راجع به عدم همکاری وزارت آموزش و پرورش برای ساختن خانه و موضوع خانه‌های ۷۲ متری برای شش سرعائله صحبت کردند (شیخ رضائی - بصورت جلسه نگاه کنید) شما خیال میکنید معلمین کشور فرانسها خود جنابعالی و بنده در خانه چند متری زندگی می‌کنیم؟ اگر بنا باشد برای معلمین در تهران برای صد و پنجاه هزار معلم در تهران و شهرستانها خانه بسازند مسئله متراژ زمین مطرح نیست خانه‌ای میسازند که آب داشته باشد برق داشته باشد و وسائل داشته باشد یک اطاق خواب داشته باشد یک اطاق نشیمن داشته باشد بسمبار کتان من در خیابان پهلوی کوچ بیدی شماره ۶ سکونت دارم فقط در یک آپارتمان ۶۰ متری زندگی میکنم آپارتمان اجاره‌ایست خیلی هم خوب است (یکی از نمایندگان - شما مجرد هستید) بله من مجرد هستم ولی کلفت دارم، نوکر دارم، یکی از بستگان من با من زندگی میکند (فرهادپور - پس نصف بابل مال کیست) آقای فرهادپور حرف شما درست است ولی آنچه داشتم دادم به شیر و خورشید سرخ پدر ۱۰۶ سال بنده که در قید حیات است طی شهادت پرونده‌های شیر و خورشید و آقای فضائلی که آن طرف نشسته‌اند در پانزده سال پیش با داشتن ۲۰ فرزند بیست و دو میلیون ثروتش را بشهر بابل داده (فرهادپور - همه به آن پیر مرد تعظیم میکنند) و اما مطالب ناطق و خطیب دوم (عباس میرزائی - اثرات

تلویزیون را در نقش آموزش و پرورش توضیح بدهید) چشم، اطاعت میکنم، ناطق و خطیب دوم جناب آقای صمدتامور است که از خیلی قدیم با ایشان دوست بودم و هستم ایشان خیلی خوب صحبت میکنند، این سنگ تمام گذاشت و موجه بودن برنامه اصیل و منطقی دولت را در طول ۸ سالی که پشت سر گذاشت آقای صمدتامور بیان کرد، بیگدار بآب نرزد و بی محابا مطلبی نگفت. ایشان سالیان دراز است روزنامه مینویسد خیلی خوب صحبت میکنند مثل شماناصر خان (فرهادپور - خان از القاب افتاده) بعلاوه هفت سال است که بنده اطلاع دارم در کارهای اقتصادی و صنعتی توجه و صرف وقت میکند از مطالب علمی بواقعی و حقیقت وارد است ایشان از پشت این تریبون هدلاین‌ها یعنی برنامه‌های اساسی دولت را در کار اقتصادی و صنعتی و کشاورزی ستودند شما نمیتوانید منکر شوید و علتش این است که عضو اطاق صنایع هستید و کاملاً بساین مسائل واقفید (فرهادپور - برنامه‌های مملکتی راست بودند نه کارهای شمارا) این که سفسطه است و حالا گوش کنید توضیح میدهم ولی بعد از این که بطور تفصیل راجع به برنامه‌های اساسی در سه چهار موضوع بزرگ اقتصادی صنعتی معدنی و غیره صحبت کردند و همه را ستودند من نمیدانم چطور شد که فرمودند در بازار رکود اقتصادی است این کدام بازار است، چه نوع رکود اقتصادی است آثارش چیست؟ دلیلش چیست و من هر چه فکر کردم دلیلی برای رکود پیدا نکردم ماکه شاهدیم ماکه می‌بینیم و بعلاوه در مجلس شورای ملی تعدادی مردان اقتصادی داریم که در رشته‌های مختلف اقتصادی فعالیت می‌کنند کار میکنند جناب کاظم، کورس جناب دکتر یگانگی من از اینها پرسیدم من از بازار اطلاعی ندارم پرسیدم شما رکودی می‌بینید؟ سکوتی می‌بینید حجم معاملات پائین آمده؟ از معاون وزارت اقتصاد پرسیدم این گرافیک‌ها آمارهای شما تغییر کرده پائین آمده صادرات کم شده؟ گفتند ما آنچه که می‌بینیم در جمع این مسائل در حال صعود هستیم، در حال پیشرفت هستیم چطور میشود گفت از یکطرف تمام

برنامه‌های اقتصادی و صنعتی و معدنی و کشاورزی دولت در طول ۸ سال که پشت سر گذاشته در حد قابل ستایش بوده و یکمرتبه بگوئیم در بازارهای ایران سکوت ایجاد شده است آقا تولیدات صنعتی ما را، تولیدات کشاورزی ما را، مصنوعات ما را بصورت نوبه گرفتن از خارج و داخل میخرند این همه مصنوعات صنعتی و محصولات کشاورزی بدست کی خرید و فروش میشود این تاجر صادر کننده مگر لطف الهی و کاظم کوروس نیست مگر عقیده اینها که عمل می‌کنند و کسانیکه اکسپرومتخصصی هستند ملاک عمل نمیتواند باشد بنابراین من تعجب میکنم و شاید یک اشتباهی در طرز گفتار ایشان پیدا شده در حالیکه خیلی خون سرد و متین صحبت میکردند و بیاناتشان بسیار منطقی و عالی ادامه شد منتهی در یک جمله‌ای خیلی کوتاه مطلبی راجع به رکود بازار از ایشان شنیدم (نامور - منظور من معاملات مستغلات و زمین و امور ساختمانی است که در دست رکود است) بسیار بسیار متشکرم که بجای اینکه من ورق بزنم سر نخ را بدست من دادید حالا بهتان عرض میکنم که اینطور نیست در مورد زمین آقایان نمایندگان و ملت ایران شنیدند که نخست وزیر خدمتگزار ما در سر لوحه برنامه‌های انتخاباتیشان در مراکز هراستان گفتند دوران و زمان احتکار و نگهداری زمین و دیوار کشیدن زمین و فروختن زمین بقیعتهائیکه مردم تهران یا شهرستانها میتوانند صد متر زمین برای ساختن خانه برای خودشان بسازند بخزند از آن تاریخ تا کنون در جمع شئون مملکتی و در بخش خصوصی و در بخش دولتی هر نوع زمینیکه شما در بخش دولتی فکر میکنید دولت منحصرأ برای انجام اینکار و بر آوردن این مقصود عالی ملت ایران که باید هر فرد ایرانی صاحب خانه باشد اقدام کرده است و امام میفرمائید که کار ساختمان کردن اعم از ساختمانهای بزرگ و یا خانه‌های کوچک بحالت رکود در آمده و بموجب آمار دقیقاً شهرداری پایتخت در تهران و حومه ۷۸ هزار شانه و کارگاه ساختمانی در دست ساختمان وجود دارد (دکتر شفیق امین - بفرمائید کارگاه ساختمان) اگر بخواهم

بگویم کارگاه ساختمانی درست نیست ولی بهر حال ساختمانی که در دست اتمام است و یا شروع شده و در حال اتمام وجود دارد که این ترکیب میشود از ساختمانهای چند طبقه بصورت آپارتمانها یعنی خانه‌های آپارتمانی شخصی و کوچک و سازمانی و غیره در دست ساختمان است حالا می‌بینم ۷۸ هزار کارگاه ساختمانی که همه اینها از لحاظ تهیه لوازم ساختمانی گچ، آجر آهن، دستگیره و غیره خرید میکنند و ساختمان میکند باز میفرمائید رکود در کار ساختمان پیدا شده چون سطح درآمد سرانه مردم ایران بچهار صد دلار رسیده لذا میخواهند بهتر زندگی کنند و لذا خانه میسازند بهتر بخورند، بهتر بپوشند و بالاخره همه خرید میکنند این پول و در آمد را برای خریدشان بکار می‌برند و می‌کنند همین هائیکه حضرتعالی میفرمائید بنام اصناف از اینها خریداری میکنند اصناف هم مجبورند وسائل یا محصولات یا مواد خوراکی را خرید و فروش کنند و بهمین ترتیب ما می‌بینیم که در مملکت ما یک گردش کار بسیار صحیحی از لحاظ خرید و فروش، از لحاظ معاملات هست و بطور کلی جلو واردات گرفته شده و حجم صادرات افزوده شده و این یک افتخار دیگر دولت هویدا است بنابراین مسئله اینکه شما فرمودید رکودی وجود ندارد بلکه گسترش هست بهمین دلیلکه عرض کردم جناب نامور راجع به راه صحبت کردند راههای فرعی، راههای اصلی و شاهراهها و راه آهن و پلها و غیره بنده باید عرض کنم که دولت خدمتگزار هویدا که من کارنامه خدمت ۸ ساله او را ضمن پاسخگویی بفرمایشاتتان ورق میزنم غرور انگیز و افتخار آمیز است هم برای حزب پاسدار انقلاب و برای ملت ایران و برای اینکه همه تکالیف خود را انجام بدهد قدم بگذارد با الهام گرفتن از رهبریهایی خردمندان شاهنشاه انجام داده و بشهر رسانده و همینطور دنبال آن است که تا برسیم بدوره تمدن طلایی من میخوام که منصفانه و عادلانه با واقعیت بمن پاسخ بدهید شما قبل از انقلاب چند متر راه آسفالت در ایران داشتید؟ یکی از آن راههای آسفالت را بمن بگوئید (نامور - راه نیمه تمام بوشهر شیراز را

سه سال تمام است کاری نکرده‌اند) ولی آقای نامور جناب زهتاب فرد گفت کله‌های انجام شده دولت هویدا غرور آمیز است از دروازه ترکیه به ایران و تا تهران خارجیها نوربستها و ایرانیان در بهترین راه اسفالت با اتومبیلشان با حداعلای امنیت حرکت میکنند (نامور - راه بوشهر و راههای ساحلی را بفرمائید) بهر صورت مشغولند، نرفتی تازگی فقط موقع انتخابات رفتی خوب راه دور است گرفتاری زیاد است. اما راه بندرعباس را مشغولند و خیلی خوب دارند میسازند و همین امروز خدمت آقای وزیر راه تلفن کردم و شاید همین الان اطلاعات آن برسد که بعرضتان برسانم (دکتر شریف امامی در راههای فرعی مازندران و در بعضی دهات اصولاً راه ندارند که طیب برسانند) آقای دکتر شریف امامی این مطلب صحیح نیست و بوجوب این راه را جناب آقای دکتر الموتی و بنده در ابتدای انتخابات که حوزه انتخابیه بنده بود رفته‌ام و شما می‌خواهید بگوئید از اول جاده اصلی کناره که ما می‌گوئیم شهرستان نور به بوش راه فرعی ندارد ولی باید بعرضتان برسانم که این ادعا صحیح نیست و اگر مایلید حاضریم بانفاق شما به محل برویم و راههای فرعی را که در حوزه این شهرستان ساخته شده یکایک ارائه بدهم.

من تمام راههای فرعی مملکت را می‌شناسم و رفته‌ام زیرا از طرف حزب مأموریت داشتم که به تمام شهرستانها و بخش‌ها بروم (فرهادپور - با طیاره رفتید) ته با اتومبیل رفتم به بنده مأموریت دادند من در تمام بخشها کمیته‌ها نواحی شهرستانها در سطح و عمق روستاها رفتم بفرمائید در حزب ایران نوین به بینید در چه جاهائی رفتم وجه تلاشهایی کردم و لذا بچشم خود دیدم که چه مقدار راه فرعی در کلیه کشور ساخته شده است و این خود غرور آمیز و مایه افتخار است یکی همین راه فرعی از دو آب است که همین پلده و بوش را بجاده هراز متصل میکند و برای این کار جناب دکتر پنجاه میلیون تومان سرمایه گذاری شده است ما شب و روز در تلاشیم که راه بسازیم ما در تلاشیم کوشش می‌کنیم شب و روز در تلاشیم که راه بسازیم

حالا راههای اصلی و فرعی میسازیم در حدود امکانات مالی و فنی خودمان بعداً انشاءالله اتوبان میسازیم جاده‌های فرعی را اسفالت میکنیم راهها را تعریض میکنیم آیا از کار ایستاده‌ایم آيا شب و روز کار نمیکنیم آیا در حدود امکانات و مقدرات مالی که ساختن راه در حکم شربان مملکت است باین موضوع واقف نیستیم و چیزی فروگذار کردیم من معتقدم که شما هم بامن هم عقیده هستید این بیت الغزل فعالیت و کارهای عمرانی و ترقیات حزب ایران نوین است برای اینکه مملکت ایران ۱۶۴۷۰۰۰ کیلو متر مربع مساحت دارد انشاءالله همیشه آباد باشد همیشه سرفراز باشد در این مملکت رودخانه هائی قابل کشتی رانی نیست بهمین دلیل است که وجه همت دولت انقلابی ساختن راه اصلی و فرعی است مفتخریم سرفرازیم واقعاً مفتخریم که برای مملکت راه میسازیم (آفرین) (دکتر دادفر - فرودگاهها و بنادر راه بفرمائید) فرودگاه میسازیم، بندر ساخته‌ایم که برای خارجیان تحسین انگیز است. اما راههای فرعی ملاحظه بفرمائید این استانها از لحاظ نزدیکی شهرها یکدیگر هر کدام در یک موقعیت جغرافیائی خاصی هستند مازندران، گیلان، گرگان این چند استان از نظر وضع جغرافیائی شان از لحاظ ارتباط شهرها یکدیگر و روستاها بجاده‌ها از سایر استانهای دیگر ممتازند حتی قبل از انقلاب جناب دکتر شریف امامی ده متر راه فرعی بین دهات و قراء استان مازندران و گیلان و گرگان که بجاده‌های اصلی غیر اسفالت ارتباط داشته باشد نبوده و الان یک ده نیست که در آن دو استان بمرکز استان راه نداشته باشد کما اینکه در تمام استانها این برنامه ساختن راههای فرعی و اتصال آن بجاده‌های اصلی در دست اتمام است و بزودی این برنامه تمام میشود و خود شما شاهد بودید در اول بابل به گنج افروز ۲۵ کیلومتر راه مالرو وجود داشته بامر شهبانوی محبوب و نیکو کار زایشگاه محمدی در آنجا ساختند برای اینکه راه داشته باشد که کلیه مردم قصبه بندپی غربی و شرقی بتوانند بآن زایشگاه مراجعه کنند در ظرف مدت بسیار کمی ۲۵ کیلومتر راه ساخته شده الان دارند اسفالت سرد میریزند من بلافاصله به آقای وزیر پست و تلگراف عرض کردم رشته تلفن خود کار در آن جاکشیدند

و الان صد هزار نفر مردم بندپی غربی و شرقی مردم آمل بآن زایشگاه مراجعه می‌کنند و این راه را ایجاد کردیم که زانو و بیمار از این جا بآنجا وسیله آمبولانس باداشتن راه صحیح و شوسه قابل عبور و مرور (صادقی - جناب آقای دکتر اکنون در آذربایجان غربی راه عبور و مرور قطع شده است) (یکنفر از نمایندگان - خوب برف آمده است دست مانیست) شما هم خبر ندارید، به شما اشتباه گفته اند راه هست برف است، اشتباه بعرضتان رسانده اند پس یک برگ زرین کارنامه دولت راه بود که الحمدلله با عدد و رقم و منطق و استدلال قبول داریم که یکی از برنامه های واقعی و حقیقی که در ۸ سال بعد از انقلاب شده راهسازی بوده جناب آقای نامور راجع به شرکت های زراعی صحبت کردند تصدیق کردند با تشکیل شرکت های زراعی کیفیت کشت تغییر خواهد کرد و شرکت های زراعی از برنامه های خوب دولت هویدا است و بلافاصله جناب زهتاب فرد جناب آقای دکتر ولیان اجرا کننده این برنامه را و مجریان دیگر این برنامه راستودند و تعریف کردند که خوب کار می‌کنند آنوقت در جنب آن میفرمائید که منظور از این شرکتها و تشکیل شرکتها و باصلاح ایجاد زراعت شدید و بهره برداری حداکثر از زمین و استفاده از امکانات فنی و علمی و تکنولوژی کشاورزی که وضع زندگی دهقانان را دگرگون کرده کاری انجام نداده (نامور - کی گفت بنده چنین حرفی نزدم عرض کردم بموازات تشکیل شرکت های سهامی زراعی باید واحدهای صنعتی در روستاها بوجود بیایند تا کارگران جذب کارهای صنعتی بشوند صورت جلسه هست به بینید) عرض کنم که اساس تشکیل این شرکت های زراعی که در بسیاری از کشورهای دنیای پیشرفته عمل شده و نتیجه گرفته شده بهبود وضع کشاورزان است که کشاورزان بتوانند حقاً و واقعاً درآمد بیشتری برای زندگی خودشان داشته باشند و این برنامه از وقتی که پیاده شد طبق آمار و مدارک مثبت در هر جا که این امکانات فراهم شده که ما بتوانیم شرکت های سهامی زراعی را تشکیل بدهیم و برنامه را پیاده کنیم این استفاده عاید کشاورزان ما شده است اینجا یک صحبتی راجع

به رادیو تلویزیون شد قبل از اینکه بموضوع بستم که رسیدن نامه ای از ساری به آمل بمدت ۳۵ روز و بموجب مدرکی که ایشان ارائه دادند بعرض برسانم و دلیل رد آنرا بیان کنم می‌خواهم عرض کنم چندی پیش در همین مجلس مقدس قانونی گذشت برای اینکه رادیو تلویزیون ایران این تشکیلات بزرگ و وسیع و گسترش یافته علمی و فرهنگی و اطلاعاتی و آموزشی مملکت با استقلال خاصی که در قانون پیش بینی شده اداره بشود این قانون گذشت با حسن قبول مواجه شد ولی امروز می‌بینیم که تشکیلات رادیو تلویزیون ایران با توجه به اینکه تشکیلات رادیو تلویزیون ایران یک سازمان مستقلی پیدا کرده است بموجب قانون در حد اعلائی تفاهم همکاری و معاضدت و همفکری وزارت اطلاعات و دستگاه دولتی و مملکتی هست بطور کلی در رأس این تشکیلات مدیر مسئولی است، جناب آقای مهندس رضا قطبی که تحصیلات عالی در این کار دارند تجربیات فراوانی در این مورد دارند و برای العین می‌بینیم که با کوششهای شبانه روزی ایشان در خیابان پهلوی ساختمان بزرگ و تشکیلات بزرگ و دستگاه فرستنده و بهمین نسبت کلیه کارمندان و دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان، خبرنگاران، متصدیان دستگاههای تلویزیون و کلیه کسانی که با این سازمان همکاری می‌کنند کارها و برنامه‌هایشان نه تنها افتخار آمیز است بلکه غرور آمیز است در این مدت با حداعلای تفاهم و همکاری بین دستگاه اطلاعاتی مملکت وزارت اطلاعات و دولت و دستگاه رادیو تلویزیون پیشرفتهای چشم گیر مشاهده شده و هر روز یک دستگاه فرستنده جدید با تمام وسایل در یک گوشه ای از مملکت افتتاح می‌شود هر روز (یکنفر از نمایندگان - هفته گذشته چهار فرستنده تلویزیون افتتاح شد) نمایندگان خوزستان و جناب آقای وزیر اقتصاد که تشریف داشتند چند روز قبل شاهد افتتاح چهار دستگاه فرستنده بودند که با این تشکیلات ۶۲ نفر از متخصصین، مطلعین و دانشمندان و نویسندگان برای پیاده کردن این چهار دستگاه در محل حضور داشتند. مهمتر از همه شما میدانید در ایام جشن فرخنده شاهنشاهی جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران چند نفر از نمایندگان

و مسئولین رادیو تلویزیون کشورهای مختلف دنیا در ایران آمده بودند میدانید اینها درباره تشکیلات رادیو تلویزیون ایران چه گفتند؟ بمن گفتند و مکرر گفتند این دستگاه فرهنگی، خبری، علمی و بطور کلی آموزشی و حتی تفریحی مملکت شما از افتخارات شماست (احسن) و بطور کلی خود شما که شبها بخانه میروید و چه در مرکز استانها هر جا که دستگاه فرستنده هست ما می بینیم که باهمت دانشمندان و متخصصین دستگاه تلویزیون ما باره بری و مدیریت صحیح و منطقی جناب آقای مهندس قطبی ریاست این دستگاه، مردم از طریق دستگاه چه سودی میبرند و چه لذتی میبرند و در حد آموزشی تا چه حد بهره مند میشوند و چه اطلاعات مفیدی از آن کسب می کنند.

دکتر رئیس - مطمئن باشید که صدای شما را رادیو و تلویزیون بخش می کند.

دکتر متین - چه اشکالی دارد چرا بخش نکند تو هم بیا بگو تا بخش کنند.

یکنفر از نمایندگان - کسانی که خدمت می کنند باید تشویق بشوند.

صمد نامور - رادیو تلویزیون راجع به آلودگی هوا انتقاد کرده عیبی ندارد.

دکتر متین - این روزنامه اطلاعات یا کیهان است نوشته عضو انجمن شهر آمل يك نامه ای از ساری ناآمل ۳۵ روز در راه بوده است.

فرهاد پور - هم مسلک شما است.
رامبد - در کدلم روزنامه؟

دکتر متین - نمیدانم کیهان است یا اطلاعات هر کدام هست به عقیده من يك چنین روزنامه ای بدون غرض و توجه چون يك روزنامه خیلی بزرگی است و يك کسی هم يك نامه ای می نویسد يك کسی این نامه را دیده گفته در این ستون درج کنیم ولی روزنامه اطلاعات و کیهان در این مورد تصدیق نکرده اند که آنطوریکه شما می فرمائید از ساری باآمل ۳۵ روز طول کشیده باشد برایشان میخوانم عضو انجمن شهرستان آمل ضمن انتقاد از وضع پست مدعی شده که نامه ای از ساری به آمل ۳۵ روز بین راه مانده است.

یکنفر از نمایندگان - ممکن است آدرس را نوشته باشد.

دکتر متین - این دوسطر است حالا این را من حتی مشکوکم که این روحی بیچاره عضو انجمن شهر آمل این خبر را برای او جعل کرده باشند بايك کسی خرده حسابی داشته از این بابت خواسته بگوید این مدرک و کلیل است که پست در مملکت ایران باین ترتیب توزیع میشود شما باور فرمائید آنوقت که در همین استان بدورترین نقطه پست بوسیله يك فرستاده میشد ۳۵ روز طول نمیکشید میدانید چرا؟ باپای پیاده از ساری باآمل می شود یکروزه رفت.

احتشامی - قصور مأمور را حساب کنید.

دکتر متین - بااسب از صبح تا ۴ بعد از ظهر میشود این مسافت را طی کرد مجموعاً ۸۰ کیلومتر است از لحاظ مخالفت لایحه متمم بودجه می بینم وقتی متمم بودجه مطرح میشود يك شخصی مثل آقای نامور نباید به این مسائل کوچک و بی اهمیت توجه کنند در حالیکه تمام برنامه های دولت را از لحاظ نتایج عملی آن ستودند ولی بجان خود آقای نامور بقدری ناراحت شدم چون فکر میکردم شما با احاطه که به مطالب دارید و اطلاعاتی که در مسائل اقتصادی دارید می آید ۵-۶ طرح واقعی میدید نقشه میدید ارائه طریق می کنید. شما می آید اینجا میگوئید که روحی نوشته است ۳۵ روز نامه از ساری به آمل رسیده این افسانه نیست، شوخی نیست مسخره نیست؟

فرهاد پور - يك تکذیب نامه بگیری در ایران نوین چاپ کنید.

دکتر متین - جناب نامور در مورد اصناف مطلبی فرمودند خود ایشان همین چند وقت پیش شاهد تصویب نظام صنفی بودند و این قانون نظام صنفی که از قوانین بسیار عالی و منطقی و باجامعیت تمام و يك قانون مترقی است از مجلس شورای ملی گذشت (مصطفوی) - بسیار قانون خوبی بوده این طرح، این لایحه را کی آورد؟ این را عرض کنم از مدت هایش دانشمندان، متفکرین، مطلعین سربازان حزب انقلاب نشسته در اطراف حزب فکر کردند آمدند که به کلیه سازمانهای اجتماعی مملکت نظامی بدهند و اذیت نظام

پزشکی، بیمه های اجتماعی قانون بیمه کارگران و کلیه قوانینی که هست و باید این طبقه ای که طبقه بسیار شریفی است زحمتکش است طبقه ایست که از صبح تا شب می آید و در دکان می نشیند سر ما را می خورد. گر ما را تحمل می کنند ناراحتی می کشد برای اینکه احتیاجات مردم را فراهم کنند برای اینکه مواد غذایی و مصنوعات و محصولات کارخانجات را در دسترس مردم قرار بدهند ما میدانیم که این طبقه شریف و عزیز که مظهر شاهدوستی هستند ممالک خود را میپرستند برای مملکت از جان و دل میگذرند و همیشه در صفت مقدم اجتماع بوده اند برای اینها باید يك نظام صنفی داشته باشیم قانونی موجه منطقی، مترقی گذشت و دولت و وزارت کشور طی دستور طی بخشنامه ای به تمام نقاط کشور استاندارها فرماندارها بهادستور داد که از اول دیماه مقدمات پیاده کردن قانون نظام صنفی را در سراسر کشور عمل کنند (دکتر الموتی) - قانون جامعی است این جهش نیست؟ این ترقی نیست؟ این واقعیت نیست؟ این دموکراسی نیست؟ این حکومت مردم بر مردم نیست؟ (آفرین).

نامور - خدا کند نتیجه اش رضایت بخش باشد.

فرهاد پور - میدانید دست چه کسانی سپردند اجرای نظام صنفی را

دکتر متین - دست کی سپردند؟

فرهاد پور - از شورای صنفی خودتان برسید

دکتر متین - مطلب دیگری را عنوان فرمودند که بخدای محمد چون ارادت دارم چون میدانم دانشمندان و فاضلی میگویم و گرنه نمیگفتم نامور عزیز گفت با اتومبیل و تلفات مردم بسیار خوب متمم بودجه مطرح است يك شیفر چهار صد میلیون تومانی راجع به مصارف خاصی که در این لایحه هست مطرح است و تنها در مخالفت با آن موضوع تصادف اتومبیل و تلفات مردم مطرح می کنید اولاً طبیعت کار یعنی چهار چرخه ای که میگردد این خودش و خودش تصادف است و از طرف دیگر ایشان توجه نکردند آماری که هر صبح روز دوشنبه روزنامه های آمریکا و روزنامه های اروپا انتشار می دهند

و داد و شیون بلك هفتم رسیده و بمردم اخطار میکنند به (ویک اند Week End) نروید هفته گذشته تلفات آخر هفته شهر پاریس ۲۵۰۰ نفر بوده های وی امریکا ۴۰۰۰ نفر بوده آقای نامور آمار نشان بدهید کدام آمار را خواستید استناد کنید شما دوتا تصادف در راه تهران رشت از راه سد سپید رود نشان بدهید در سایر راهها نشان بدهید (فرهاد پور) - راه قزوین چی؟ جناب آقای فرهاد پور داریم راه قزوین راه های وی میسازیم که این راه کوچک که اگر گاهی بر اثر برداندن یا مهارت نداشتن یا عندالافتضا چرت بردن راننده و یا مستی و لایبالی گری بعضی از راننده هایك تصادفی می شود و یکی دو نفر می میرند دیگر روی نهد در مملکتی که بیش از چند میلیون وسایل نقلیه داریم تمام کارها و ترانسپورتها و نقل و انتقال مردم بین شهرها و شهرها و استانها و پایتخت با اتوبوس است مسلماً تصادفات و تلفاتی وجود دارد آیا آماری داری که بگوئی دو ماه گذشته چقدر تلفات بوده دوست عزیز من نامور میگویند موضوع تصادف اتومبیل و تلفات مردم ما هم میگوئیم این دلیل رشد اقتصادی و رشد اجتماعی مردم است که همه مردم صاحب اتومبیل شدند سطح درآمد رفته بالا به ۴۰۰ دلار رسیده کار و کوشش و فعالیت هست اتومبیل وسیله تفریح و گردش و انجام کار هست بنابراین وقتی اینطور شد خود بخود تلفات هست آمار بگیرد ببینید که مردم راست راست پیاده راه میروند چقدر می میرند در سال با لغزش و زمین خوردن (یکی از نمایندگان) - ابوالله همینطور می افتد و سرش بسنگ میخورد و میمیرد خدا شاهد است از این حیث مرگ و میر خیلی زیادتر است اینکه دلیل نشد (صمد نامور) - احسن. آقای دکتر متین! بنده شخصاً، مسلکاً روی انضباط حزبی روی غروری که برای حزب دارم و این عظمت و ارزشی که برای حزب و تشکیلات حزبی و دیسپلین حزبی دارم يك مطلبی را از جناب نامور شنیدم که باید جواب بدهم فرمودند تفهیم انقلاب اجتماعی ایران بیت الغزل و سر لوحه فعالیت ۸ ساله حزب پاسدار انقلاب بوده است آقای عزیز تفهیم انقلاب اجتماعی و اجرای انقلاب اجتماعی و سفید آیران درست انجام نشده؟

(صمد نامور - شما انقلاب اجتماعی ایران را نتوانستید به ایرانیان مقیم خارج تفهیم کنید) خانم صفی نیا هم مسلک محترم بنده تشریف دارند جناب نامور بدان و آگاه باش و یقین بدان و حقیقتاً بدان به سر عزیزت بزرگترین تشکیلات سیاسی و اجتماعی بموجب هزاران دلایل زنده و منطقی اگر توانسته انقلاب اجتماعی ایران را تفهیم کند چه در داخل و چه در خارج پیاده کنند و به ثمر برسانند تا حدی که امکاناتش بوده حزب پاسدار انقلاب حزب ایران نوین بوده میدانید تشکیلات ما چیست واقف به عظمت ما هستید (صحیح است) واقف به نظم و انضباط ما هستید (احسن است) افراد حزب ایران نوین همه شان از پلای تاپائین هر فرد حزبی وابسته و پیوسته جان به کف دارند برای تفهیم انقلاب اجتماعی ایران (صحیح است) چون جانشان شرفشان استقلالشان در این راه است (احسن است) بنابراین جان چیست؟ وجود چیست؟ همه را فدا خواهیم کرد چنانچه تا این ساعت یکی از ورق های زرین دولت حزبی همین حزبی است که از او منبعث شده همین تفهیم بیان انقلابی است اشاره کردند به خارج (شیخ رضائی - امن بجیب را هم بخوانید) شما بخوانید من خوانده ام.

آقای نامور قبول کرده اند که انقلاب اجتماعی ایران در داخل تفهیم شده اما در خارج نشده است مگر خارج ایرانیانی داریم اینجادوسته هستند یکدسته دانشجوی هستند و یکدسته هم از قدیم و ندیم ساکن آنجا هستند آقای نامور تعداد نامهائی که از اقصی بلاد عالم از ایرانیان مقیم چندین دهساله کشورهای خارجی در تمام ۵ قاره عالم و شاید ۹۹۹۰۰ از یکصد هزار دانشجویان مقیم خارج در باره عظمت این جشن و حسن اثر این جشن و جهش مملکت و ترقیات مملکت به ثمر رسیدن انقلاب اجتماعی ایران به سازمانهای مختلف بوزارت اطلاعات بدولت به اشخاص خصوصی و بخش خصوصی و حزب و جرابدر سیده باور بفرمائید از ۲۰۰۰۰، ۳۰ هزار و ۵۰ هزار تجاوز میکند این خانم صفی نیا که آنجا نشسته اند برای بنده چندتا نامه فرستاده و گفته است بیش از ۳۰ یا ۴۰ تا از این

نامه ها را از شهر های مختلف آلمان برای من رسیده و من در منزل یکی از بستگانم جا گذاشته ام و فردا برایت می آورم که بین هر کدام از این نامه ها از کجا می آید و مضمونش چیست من برای اینکه مبدا خسته کننده و ملال آور باشد این نامه را هم که بسیار جالب است و جامع - الاطراف و منطقی و استدلالی است و بدون تملق و مدافعه نوشته شده اینجامیخوانم بنابراین وقتیکه در یک موقعیت خاصی ایرانیان مقیم خارج اعم از آلهائی که متوطن هستند بیا محصل از یک موقعیت خاصی استفاده می کنند برای تبریک گفتن به شاهنشاه و ملت ایران از لحاظ عظمتش و اینکه ایران عزیز هر چه هستند ششخته شده از هر لحاظ چه از لحاظ تمدن قدیم و چه پیشرفت های جدید و آنوقت میگویند انقلاب اجتماعی ایران در خارج تفهیم نشده (عبدالحسین طباطبائی - این دلیل که خیلی محکم بود) مثل همان دلایل است که من و شما در محکمه اقامه می کنیم (فرهاد پور - هنوز هم محکمه می رود؟) از ساعتی که وکیل شدم هر پرونده ای هم که داشتم استعفا کردم چون احتیاج ندارم یک نفر آدم هستم دوتا اطاق دارم زندگی میکنم اما اتومبیل دارم یک پیکان دارم سوار میشوم اما یک مطلب

مهمتر قطع دارم که آقای نامور مکرر در مکرر بخارج سفر کرده اند و علی التحقیق بلحاظ موقعیت اجتماعی که دارند بسفارت خانه ها و کسولگریها رفته اند بخدای محمد قسم بچشم خود دیدم بارها در ژنو پاریس لندن سانفرانسیسکو دسته دسته محصلین می آیند کتاب انقلاب سفید، گفتار شاهنشاه، مأموریت برای وطن و انتشارات وزارت اطلاعات را دسته دسته می برند مثل ورق زر و بین مردم خارج تبلیغ می کنند بطور ایرانیان مقیم خارج تفهیم انقلاب ایران نشده آنها هزار بار بیشتر از آلهائی که شما تصور میکنید انقلاب سفید را درک کرده اند و درک می کنند و بان عمل می کنند و همین بلند آوازه و شهرت ما در ده قاره عالم اثرات تبلیغ و وطن پرستی ایرانیان مقیم خارج و مأمورین سفارتخانه های شاهنشاهی در کلیه کشورهای دنیا است و الا در خارج از ایران جز در اطراف انقلاب سفید و نتایج گهر بار انقلاب سفید در شئون اجتماعی ایران از

چیز دیگری صحبت نمیشود و خوشبختانه جشن بزرگ ملی و مملکتی و تاریخی هم این آوازه را بجائی رسانده که هنوز هم هر روز اکثر جراید و مجلات و رادیوهای دنیا از عظمت و گسترش ایران در این منطقه از جهان و این اقیانوس منلاطم آسیا ایران را مرکز امن و ثبات میدانند باز هم یک دلیل دیگر باید بر عرضتان برسانم کتاب انقلاب سفید با کثر زبانهای دنیا ترجمه و برای چندمین بار طبع و توزیع شده است و باز هم میخواهند بزبانهای زنده دنیا روسی، فرانسه، انگلیسی، عربی، چینی، ژاپنی تمام نوشته های شاهنشاه سخنرانیها و اوامر شاهنشاه الهامات شاهنشاه و کتاب انقلاب سفید با کثر زبانها ترجمه شده و مورد استفاده جهانیان قرار گرفته و مطالب و مضامینش را در این جشن تمام ایرانیان باز گو کردند پس از این موضوع بگذریم و برویم بطرف سخنانی که مربوط به دادگستری است دوست عزیزم خطیب ادیب فاضل دانشمند جناب عبدالحسین طباطبائی بنده با ایشان در دادگستری همکار بودم ایشان رامی شناسم مرد خوبی هستند دانشمند هستند با هم کار کردیم هیچ تردیدی در این صفاتی که ایشان صاحب آن هستند نیست می پردازم بمطالبتی که ایشان بیان فرمودند اگر یکی دو مطلب دیگر باقیمانده باشد اگر یادداشتها را پیدا کردم بعد جواب میدهم جناب آقای طباطبائی در ابتدا و مقدمه سخنانشان بیشتر در اطراف احتیاجات محل حوزه انتخابیه شان و کسر و کمبودی که در سازمانهای اداری و نحوه کار های اداری در حوزه انتخابیه شان احیاناً وجود دارد صحبت کردند یکی از آن مسائل احضار یک طبیب بود که در بیمارستان آنجا بنام جراح کار میکرد و ایشان را احضار کردند و با میل خودش آمد تا دوره مسدبیرت بهداشت را ببیند که بتوانند به پست دیگری بیا مقام بالاتری برسد و بعد اشاره کردند بمسأله بیمارستانها و شیرو خورشید سرخ وزارت بهداشتی بموجب بخشنامه ای که هم اکنون در وزارت بهداشتی موجود است و مکرر این بخشنامه را

بعد از تصویب این قانون بکلیه بهداریها فرستاده است دستور داده مادام که شیر و خورشید سرخ از لحاظ اشکالات فنی یا بعضی مسائل دیگر بیمارستانی را در شهری تحویل نگرفته باید اداره بهداری محل کماکان مثل سابق باحد اعلائی کوشش آن بهداری بایمبارستان را از لحاظ جوابگوئی به احتیاجات مردم اداره کند بنابراین خیال میکنم که اگر برای مدت بسیار کوتاهی آن جراح بتهران آمد نمی تواند مطلبی باشد که دلیل باشد بر اینکه دولت و دستگاه بهداری در کارش تعلل کرده یا خدای نکرده عمدتاً و تعداً آن جراح را احضار کرده رئیس - آقای دکتر متین این مطالب را خود دولت جواب خواهد داد شمارا بکلیات لایحه صحبت بفرمائید راجع به این موضوع سؤال شده و قرار است در یکی از جلسات مجلس دولت جواب بدهد.

دکتر متین - اطلاعاتی را که از کار دولت دارم در جواب ناطقین اقلیت عرض میکنم من حیث وکیل اجازه بفرمائید صحبت کنم.

فرهاد پور - آنچه نماینده دولت بگوید مسئولیت دارد ایشان اگر این مسئولیت را درباره دولت قبول میکنند این وعده ها را بدهند.

دکتر متین - بنده نماینده یک حزبی هستم که دولت هم منبعث از آن حزب است بنابراین اگر دلایل و مدارکی دارم چرا نگویم و از دولت دفاع نکنم و البته نماینده دولت هم می تواند در موقع خود صحبت بکند و پاسخ بگوید برای اینکه لایحه بودجه مطرح است قبل از اینکه بمطالبتی که آقای زهتاب فرد بیان کردند پاسخ بدهم یک صحبتی پیش آمده که من بایستی جواب بدهم و جواب را باین صورت عرض میکنم نغمه ای که امروز از طرف حزب اقلیت ساز شد که چرا کارگران و کشاورزان کشور در مجلس حضور دارند باعث حیرت بنده شد.

نمایندگان اقلیت - چنین چیزی گفته نشد. رامبد - آقای دکتر متین پشت تریبون مجلس ساز نمی زنند صحبت می کنند.

دکتر متین - افتخار مجلس انقلاب وجود همین نمایندگان کارگران و کشاورزان است.

شما هرچه دلتان خواست بگوئید ولی مطلب يك زبانی گفته شده و من موظفم که جواب بدهم دليلش هم همین بود که جناب زهتاب فرد در پشت این تریبون تجلیل کردند از کارگران که همه شنیدیم در اینجا صحبت شد که يك تعدادی از شهرستانها به تهران می آیند برای اینکه در حرفه ها ورشته ها و کارهای مختلف کوشش کنند بنظر بنده این مسئله در تمام دنیا وجود دارد یعنی يك فشاری هست که از شهرستانها بطرف پایتخت می آیند بنابراین این عیب کار نشد اگر در پایتخت وسایل کار و فعالیت برای يك عده هست که می آیند پایتخت این چه مطلبی است که بخواهیم بعنوان اعتراض یا مخالفت در برنامه دولت یا يك لایحه که مربوط است به متمم بودجه صحبت کنیم راجع به انحلال حوزه ثبتی صحبت کردند بطور کلی در تشکیلات ثبت اسناد کشور، وجود یا عدم وجود يك اداره ثبت اسناد محلی و احتیاجاتی که مردم دارند از اختصاصات ثبت کل است در این محلی که جناب زهتاب اشاره کردند با تحقیقات و استواری که شد ثبت کل در مقام این هست که آن تشکیلات را با وسائلی که باید تهیه کند از لحاظ نیروی انسانی و عوامل کار مجدداً در آنجا برقرار کند و تشکیل دهد بنابراین انحلال یا جمع کردن يك اداره و تشکیل مجدد یا توسعه اش از کارهائی است که يك سازمان دولتی میتواند بکند و اوست که می تواند تشخیص بدهد که سازمان ضروری هست یا نه و این نمی تواند باعث اعتراض باشد یا اینکه اگر این مطلب يك قدری بطول انجامیده باعث گله بشود که چرا در اسرع وقت انجام نشده راجع به دادگستری صحبت کردند بطور کلی بنده خواستم از لحاظ شغل و کاری که قبل از نماینده شدن داشته ام یعنی وکیل عدلیه بودم بعرض برسانم که دستگاه قضائی ایران دارای قضات شریف و پاکدامن و مطلع و دانشمند و شاهدوست و وطن پرست است و بطور کلی در همه جای دنیا از لحاظ سیریک پرونده قضائی در مراحل مختلف دادگستری يك بطوء و رکوردی وجود دارد که بهیچ وجه نباید گفت که در دادگستری ایران يك رکوردی هست که در سایر کشورها ای دنیا نیست اصولاً پرونده های دادگستری بسایستی

در مراحل مختلف بادلایل و مدارك و با احضار طرفین دعوا و دفاع در مراحل مختلف سیر خودش را بکند و اجرا بشود بطوریکه عنوان شده مثل اینکه فقط دستگاه دادگستری ما گرفتار يك بطوء جریان است که شاید از حد بیرون باشد در صورتیکه اینطور نیست هم اکنون دادگستری در مقام این است که از فارغ التحصیلان حقوق دانشگاههای ملی و دانشگاه تهران استفاده کند و آنها را بدادگستری بیاورد و پست های قضائی را بآنها بدهد برای اینکه يك موضوع مسلم است که ما كمبود قاضی داریم و این برای آست که از کسانی که از دانشگاه حقوق فارغ التحصیل می شوند عده ای به شغل آزاد و شغل وکالت و سایر شغل های دیگر می پردازند و كمبود قاضی در سطوح مملکت هست ولی علی التحقیق بزودی این كمبود جبران خواهد شد و کارها با سرعت بیشتری پیش خواهد رفت. راجع باراضی قیطره صحبت شد اراضی قیطره طبق رأی دادگاه قریب هشت سال پیش خلع يد شد و حکم داده شد طبق تصمیم هیئت وزیران مقرر شد طبق قانون مدنی وجوه دریافتی را باضافه بهره مربوطه به متقاضیان مسترد شود تعداد زیادی از متقاضیان مراجعه و وجوه خود را باضافه بهره آن گرفتند ولی قریب بیست نفر از کارمندان اداری مجلس شورای ملی باین امر معترض بودند و تاکنون جهت دریافت وجوه مراجعه نموده اند و شکایات متعددی بکمیسیون عرایض نموده اند اگر دولت بخواهد باین عده زمین بدهد اولاً قیمت زمین جدید مطرح خواهد بود ثانیاً آن عده که وجوه خود را پس گرفته اند مدعی خواهند شد پیشنهاد می نماید بکارمندان اداری مجلس که شرکت تعاونی مسکن تشکیل بدهند و با رعایت ضوابط واحدهای مسکونی در اختیار ایشان گذاشته بشود، این يك نظری است و بنده یکبار دیگر تکرار می کنم که کارمندان اداری مجلس که افراد زحمتکش و متدین و فداکار و صمیمی هستند و شاید وقت کار اینها از اوقات عادی خارج باشد حقاً آنها که صاحب خانه نیستند باید صاحب خانه بشوند و مجلس باید در این مقام باشد که با تشکیل يك شرکت

تعاونی برای این عده که خانه ندارند خانه بسازد و بآنها تحویل بدهد. در اینجا یکی از نمایندگان تبریز چون بنده بعد از آقای زهتاب فرد صحبت میکردم بمن مراجعه کردند و اطلاعاتی در مورد بریدن گوش قضایی که جناب زهتاب فرد عنوان کردند در اختیار من گذاشتند.

زهتاب فرد - ممکن است اسم آن نماینده تبریز را بفرمائید.

صدقیانی زاده - بنده هستم آقای زهتاب فرد.

زهتاب فرد - بسیار خوب آقای صدقیانی زاده.

دکتر متین - نوشته اند شخصی که گوشش بریده شد بنام رضا برادر مشهدی صمد قصاب است و این شخص قصاب نیست و سلاح است و در توی يك تاکسی با سلاح دیگری درباره يك موضوع خاصی دعوا کردند و بر اثر آن کشمکش گوش آن شخص یا قطع شده یا پاره شده یا ... ولی بهر حال ارتباط این موضوع بهیچ وجه نامشله ای که گوش می بایست در تبریز کیلویی هشت تومان فروخته بشود و آنها کیلویی ده تومان فروخته اند نداشته، این مسئله ای بود که در شهرداری بحث شد و قصابها تصمیم گرفتند که ۸ تومان بفروشند و در نتیجه این منازعه و بریده شدن گوش رضا پرونده به دادگاه جنائی احاله شده و مجرم به سه سال زندان محکوم گردید و لذا کتبه شدن گوش رضا سلاح ارتباطی با گرانی یا ارزانی گوش در تبریز نداشت البته يك اختلافی راجع به گرانی و ارزانی گوش در تبریز بود که ۶۲ نفر از صنف قصاب و نمایندگان آنها آمدند و در تهران و در وزارت کشور جلسات متعددی شد آقای صدقیانی زاده و آقای دکتر دادفر بودند و در وزارت کشور راجع باین موضوع رسیدگی کرد و بطور کلی حل شد و مورد بررسی قرار گرفت و اساساً موضوع گران فروختن گوش در تبریز باین صورت که منجر به کندن گوش کسی باشد وجود خارجی نداشت ولی مطلب دیگر که فرمودند راجع به بدهی شهرداری تبریز یا شهرداریهای دیگر این اشکالی ندارد بنظر بنده برای اینکه شهرداریها يك درآمدی دارند و يك بودجه ای دارند و درآمدی تحصیل می کنند و اعتبارات عمرانی و آبادی از بانک ملی یا سایر

مؤسسات یا از کارفرمائی که برای شهرداری کار می کند بصورت اقساط برای پیشرفت هر شهری وصول میکند شهرداری بایستی این کار را بکند اگر شهرداری تبریز یا فلان شهر دیگر يك مبلغ بدهی داشته باشد بهیچ وجه نقص کار شهرداری نیست و یکی از پدیده های انقلاب وجود همین انجمنهای شهر است که در سراسر مملکت و مرکز استانها و شهرستانها وجود دارد که با شهرداری همکاری می کند و انجمن استان و شهرستان با راهنماییها و همکاریهای که در انجمن شهر می کند بطور کلی در حدود امکانات می توانند در هر شهری عمران و آبادی بکنند بطوریکه ما بیستم می بینیم (شیخ رضائی) در گره سار که نیست) اگر شهری مثل تبریز بلحاظ سوابق تاریخی یا زیبایی که داشته یا آن انتظاراتی که مردم تبریز داشته اند انجام نشده باید امکانات فراهم بشود که در آینده نزدیک یا سالهای آینده شهر تبریز مثل سایر شهر هادر جهت عمران و آبادی و مسائل اجتماعی پیشرفت کند (دکتر الموتی - آقای دکتر متین، همانطور که جناب رئیس فرمودند نماینده دولت جواب خواهد داد و تمام ارقام و آمار را خواهد گفت که باندازه کافی کمکهای بلاعوض تبریز داده شده) آقای رئیس فراکسیون فرمودند که نماینده وزارت کشور اینجا هست ولیست و صورت و سیاهه در اختیار ایشان هست و خواهند آمد و خواهند گفت که به تبریز چقدر داده شده و فلان شهر چقدر، يك مقدار معین پول در اختیار وزارت کشور هست که وزارت کشور بصورت بلاعوض طبق قانون آنرا تقسیم می کند. (فرهادپور - بین دوستان تقسیم می کنند).

دکتر الموتی - قانون اخذ عوارض دروازه ای تکلیف هر شهری را روشن می کند.

دکتر متین - يك مطلب دیگر گفته شد که بنده بسهم خودم از جناب زهتاب فرد تشکر می کنم و سپاسگزارم و سپاس ایشان را دارم برای اینکه در مدت سخنرانی آنطور که باید و شاید با حقیقت و واقع بینی نخست وزیر ما راست بودند یعنی سجایای اخلاقی و قدرت کار و نیروی کار و درایت و هوش ایشان را در اداره مملکت و پیشبرد اهداف مقدس شاهنشاه و مردم و انقلاب سفید ستودند و من برای

شما هر چه دلتان خواست بگوئید ولی مطلب يك زبانی گفته شده و من موظفم که جواب بدهم دليلش هم همین بود که جناب زهتاب فرد در پشت این تریبون تجلیل کردند از کارگران که همه شنیدیم در اینجا صحبت شد که يك تعدادی از شهرستانها به تهران می آیند برای اینکه در حرفه ها ورشته ها و کارهای مختلف کوشش کنند بنظر بنده این مسئله در تمام دنیا وجود دارد یعنی يك فشاری هست که از شهرستانها بطرف پایتخت می آیند بنابراین این عیب کار نشد اگر در پایتخت وسایل کار و فعالیت برای يك عده هست که می آیند پایتخت این چه مطلبی است که بخوایم بعنوان اعتراض یا مخالفت در برنامه دولت یا يك لایحه که مربوط است به متمم بودجه صحبت کنیم راجع به انحلال حوزه ثبتی صحبت کردند بطور کلی در تشکیلات ثبت اسناد کشور، وجود باعدم وجود يك اداره ثبت اسناد محلی و احتیاجاتی که مردم دارند از اختصاصات ثبت کل است در این محلی که جناب زهتاب اشاره کردند با تحقیقات و استوایی که شد ثبت کل در مقام این هست که آن تشکیلات را با وسائلی که باید تهیه کند از لحاظ نیروی انسانی و عوامل کار مجدداً در آنجا برقرار کند و تشکیل دهد بنابراین انحلال یا جمع کردن يك اداره و تشکیل مجدد یا توسعه اش از کارهایی است که يك سازمان دولتی میتواند بکند و اوست که می تواند تشخیص بدهد که سازمان ضروری هست یا نه و این نمی تواند باعث اعتراض باشد یا اینکه اگر این مطلب يك قدری بطول انجامیده باعث گله بشود که چرا در اسرع وقت انجام نشده راجع به دادگستری صحبت کردند بطور کلی بنده خواستم از لحاظ شغل و کاری که قبل از نماینده شدن داشته ام یعنی وکیل عدلیه بودم بعرض برسانم که دستگاه قضائی ایران دارای قضات شریف و پاکدامن و مطلع و دانشمند و شاهدوست و وطن پرست است و بطور کلی در همه جای دنیا از لحاظ سیریک پرونده قضائی در مراحل مختلف دادگستری يك بطوء و رکوردی وجود دارد که بهیچ وجه نباید گفت که در دادگستری ایران يك رکوردی هست که در سایر کشورهاى دنیا نیست اصولاً پرونده های دادگستری بایستی

در مراحل مختلف بادلایل و مدارك و با احضار طرفین دعوا و دفاع در مراحل مختلف سیر خودش را بکند و اجرا بشود بطوریکه عنوان شده مثل اینکه فقط دستگاه دادگستری ما گرفتار يك بطوء جریان است که شاید از حد بیرون باشد در صورتیکه اینطور نیست هم اکنون دادگستری در مقام این است که از فارغ التحصیلان حقوق دانشگاههای ملی و دانشگاه تهران استفاده کند و آنها را بدادگستری بیاورد و پست های قضائی را بآنها بدهد برای اینکه يك موضوع مسلم است که ما کمبود قضائی داریم و این برای آنست که از کسانی که از دانشکده حقوق فارغ التحصیل می شوند عده ای به شغل آزاد و شغل و کالت و سایر شغل های دیگر می پردازند و کمبود قضائی در سطوح مملکت هست ولی علی التحقیق بزودی این کمبود جبران خواهد شد و کارها با سرعت بیشتری پیش خواهد رفت. راجع باراضی قیطره به صحبت شد اراضی قیطره طبق رأی دادگاه قریب هشت سال پیش خلع ید شد و حکم داده شد طبق تصمیم هیئت وزیران مقرر شد طبق قانون مدنی وجوه دریافتی را باضافه بهره مربوطه به متقاضیان مسترد شود تعداد زیادی از متقاضیان مراجعه و وجوه خود را باضافه بهره آن گرفتند ولی قریب بیست نفر از کارمندان اداری مجلس شورای ملی باین امر معترض بودند و تاکنون جهت دریافت وجوه مراجعه ننموده اند و شکایات متعددی بکمسیون عرایض نموده اند اگر دولت بخواهد باین عده زمین بدهد اولاً قیمت زمین جدید مطرح خواهد بود ثانیاً آن عده که وجوه خود را پس گرفته اند مدعی خواهند شد پیشنهاد می نماید بکارمندان اداری مجلس که شرکت تعاونی مسکن تشکیل بدهند و با رعایت ضوابط واحدهای مسکونی در اختیار ایشان گذاشته بشود، این يك نظری است و بنده یکبار دیگر تکرار می کنم که کارمندان اداری مجلس که افراد زچمتکش و متدین و فداکار و صمیمی هستند و شاید وقت کار اینها از اوقات عادی خارج باشد حقاً آنها که صاحب خانه نیستند باید صاحب خانه بشوند و مجلس باید در این مقام باشد که با تشکیل يك شرکت

تعاونی برای این عده که خانه ندارند خانه بسازد و بآنها تحویل بدهد. در اینجا یکی از نمایندگان تبریز چون بنده بعد از آقای زهتاب فرد صحبت می کردم بمن مراجعه کردند و اطلاعاتی در مورد بریدن گوش قصابی که جناب زهتاب فرد عنوان کردند در اختیار من گذاشتند.

زهتاب فرد - ممکن است اسم آن نماینده تبریز را بفرمائید.

صدقیانی زاده - بنده هستم آقای زهتاب فرد.

زهتاب فرد - بسیار خوب آقای صدقیانی زاده.

دکتر متین - نوشته اند شخصی که گوشش بریده شد بنام رضا برادر مشهدی صمد قصاب است و این شخص قصاب نیست و سلاح است و در توی يك تاکسی با سلاح دیگری درباره يك موضوع خاصی دعوا کردند و بر اثر آن کشمکش گوش آن شخص با قطع شده یا پاره شده یا ... ولی بهر حال ارتباط این موضوع بهیچ وجه با مسئله ای که گوشت می بایست در تبریز کیلویی هشت تومان فروخته بشود آنها کیلویی ده تومان فروخته اند نداشته، این مسئله ای بود که در شهرداری بحث شد و قصابها تصمیم گرفتند که ۸ تومان بفروشند در نتیجه این منازعه و بریده شدن گوش رضا پرونده به دادگاه جنائی احاله شده و مجرم به سه سال زندان محکوم گردید و لذا کتده شدن گوش رضا سلاح ارتباطی با گرانی یا ارزانی گوشت در تبریز نداشت البته يك اختلافی راجع به گرانی و ارزانی گوشت در تبریز بود که ۶۲ نفر از صنف قصاب و نمایندگان آنها آمدند و در تهران و در وزارت کشور جلسات متعددی شد آقای صدقیانی زاده و آقای دکتر دادفر بودند و در وزارت کشور راجع باین موضوع رسیدگی کرد و بطور کلی حل شد و مورد بررسی قرار گرفت و اساساً موضوع گران فروختن گوشت در تبریز باین صورت که منجر به کندن گوش کسی باشد وجود خارجی نداشت ولی مطلب دیگر که فرمودند راجع به بدی شهرداری تبریز یا شهرداریهای دیگر این اشکالی ندارد بنظر بنده برای اینکه شهرداریها يك در آمدی دارند و يك بودجه ای دارند و در آمدی تحصیل می کنند و اعتبارات عمرانی و آبادی از بانک ملی یا سایر

مؤسسات یا از کارفرمائی که برای شهرداری کار می کند بصورت اقساط برای پیشرفت هر شهری وصول میکند شهرداری بایستی این کار را بکند اگر شهرداری تبریز یا فلان شهر دیگر يك مبلغ بدهی داشته باشد بهیچ وجه نقص کار شهرداری نیست و یکی از پدیده های انقلاب وجود همین انجمنهای شهر است که در سراسر مملکت و مرکز استانها و شهرستانها وجود دارد که با شهرداری همکاری می کند و انجمن استان و شهرستان با راهنماییها و همکاریهایی که در انجمن شهر می کند بطور کلی در حدود امکانات می تواند در هر شهری عمران و آبادی بکنند بطوریکه ما بچشم می بینیم (شیخ رضائی) در گرمسار که نیست) اگر شهری مثل تبریز بلحاظ سوابق تاریخی یا زیبایی که داشته یا آن انتظاراتی که مردم تبریز داشته اند انجام نشده باید امکانات فراهم بشود که در آینده نزدیک یا سالهای آینده شهر تبریز مثل سایر شهرها در جهت عمران و آبادی و مسائل اجتماعی پیشرفت کند (دکتر الموتی - آقای دکتر متین، همانطور که جناب رئیس فرمودند نماینده دولت جواب خواهد داد و تمام ارقام و آمار را خواهد گفت که باندازه کافی کمکهای بلاعوض بتبریز داده شده) آقای رئیس فراکسیون فرمودند که نماینده وزارت کشور اینجا هست ولیست و صورت و سیاهه در اختیار ایشان هست و خواهند آمد و خواهند گفت که به تبریز چقدر داده شده و بفلان شهر چقدر، يك مقدار معین پول در اختیار وزارت کشور هست که وزارت کشور بصورت بلاعوض طبق قانون آنرا تقسیم می کند. (فرهادپور - بین دوستان تقسیم می کنند).

دکتر الموتی - قانون اخذ عوارض دروازه ای تکلیف هر شهری را روشن می کند.

دکتر متین - يك مطلب دیگر گفته شد که بنده به هم خودم از جناب زهتاب فرد تشکر می کنم و سپاسگزارم و سپاس ایشان را دارم برای اینکه در مدت سخنرانی آنطور که باید و شاید با حقیقت و واقع بینی نخست وزیر را استودند یعنی سجایای اخلاقی و قدرت کار و نیروی کار و درایت و هوش ایشان را در اداره مملکت و پیشبرد اهداف مقدس شاهنشاه و مردم و انقلاب سفید ستودند و من برای

همیشه بلحاظ این خلوص نیت و شهادت و این صفای باطن و این حقیقت‌گویی ایشان و رشادت اخلاقی و عظمت روحی که دارند به ایشان تعظیم می‌کنم شهادت و بزرگی همین است که یک مرد بزرگ و خلمتگر ارشاه و مردم‌درا از پشت این تریبون ستودید احسن و آفرین بر شما این است نمونه یک مرد منصف مردی که کارش با قلم و منطق است.

(دکتر زهرائی - وزراء را هم ستودند).

فرهادپور - مخصوصاً ستوده را.

دکتر متین - بنده روی سخن از این لحاظ متوجه این مرد بزرگوار است تاکنون نطق ایشان را نشنیده بودم ولی شنیده بودم مناطق فصیحی هستند دانشمند و ادیب و اریب و نویسنده اند ولی دردنیای امروز ببینید آدم چقدر منصف است شما بمصدق اخیر الکلام قل و دل همه را گفتید کیست که برنامه پادشاه را پیاده می‌کند کدام رئیس دولت است دولت خدمتگزار هویدا آمدید و در حد اعلائی (فرهادپور - ۳۰ میلیون ملت ایران پیاده می‌کند) اینکه بحثی نیست بنده مطلبی را که ایشان فرمودند خواستم عرض کنم بطور تحقیق جناب زهتاب هیچ سازمان غیر دولتی، شرکت دولتی یا شرکت وابسته بدولت وجود ندارد که حقوق مدیران یا مدیر عامل آن از حقوق نخست وزیر بیشتر باشد (فرهادپور - یکی را شما بفرمائید) جناب فرهادپور ایشان فرمودند که تعداد زیادی از سازمانها که بصورت تجارتي و شرکت اداره میشود مدیران یا مدیر عاملش در مواردی مزایا و حقوق آنها بیشتر از نخست وزیر است (فرهادپور شما می‌دانید چقدر است؟) خودت که میدانی که او چقدر حقوق می‌گیرد، بنابراین بنده عرض می‌کنم که چنین شرکت و سازمان دولتی وجود ندارد که مزایای مادی آن از مزایای نخست وزیر بیشتر باشد، خود جناب زهتاب فرد مصراً در اینجا استدلال کرده که دیگر دوره اعمال نفوذ گذشته و دیگر کسی نمی‌تواند در دستگاههای دولتی نفوذ بکند و اعمال نفوذ بکند و مسائلی که مشروعیت ندارد و قانونی نیست و واقعی نیست و منطقی نیست از طریق سازمانهای اداری برفع خودش و دیگران بشود برساند من می‌گویم این را شما هم در سطح

ممکنت فرمودید هم در سطح دستگاههای قضائی و دلیل بزرگش این است که قانونی از همین مجلس گذشت که وکلای دادگستری بعد از اینکه نماینده مجلس شدند حق دخالت و حق انجام کار و کالت دادگستری را ندارند البته در دوره ۱۹۰۶ بود و بحث در این بود که وکیل دادگستری بلحاظ سمتی که دارد ممکن است در یک پرونده‌ای که بر علیه دولت باشد بیاورد عکس اگر دولت یک دعوائی اقامه کرده باشد علیه یک بخش خصوصی و کالت را قبول کند و از طریق و اعمال نفوذ بکند و حق را ناحق و ناحقی راجع بکند بنده عرض می‌کنم وقتی قانون در آن موقع گذشته و تا حال هم عمل شده حتی به وکیل دادگستری اجازه نمی‌دهند با داشتن جواز و پرونده و کالت و کالت عدلیه را انجام بدهد در صورتی که یک طبیب می‌تواند طبابت بکند یک دندانساز می‌تواند دندانسازی کند یا یک تاجر می‌تواند تجارت بکند و یک کارخانه دار میتواند کارخانه اش را اداره کند و تمام شغل‌های مختلف حتی استادان دانشگاه در بعضی موارد بعنوان پاداش یا حق التدریس بلا عوض تدریس میکنند برای این بود که تصور میشده که اگر یک وکیل دادگستری که وکیل مجلس شد چون دارای مصونیت یا قدرتی است که ممکن است از این طریق در دستگاه قضا اعمال نفوذ بکنند چطور می‌شود الان در عصر انقلاب تصور کنیم کسانی پیدا شوند که بتوانند در دستگاه قضائی اعمال نفوذ بکنند بنا بر این من معتقدم در چنین مواردی که موضوع خیلی اهمیت دارد و خیلی هم حساس است حق این است که این مطلب با واقعیت هر چه تمامتر بادل و مدرک و ارائه اسناد فقط در یک مورد یاد و مورد وقتی که از پشت این تریبون صحبت می‌شود در منم بود چه بگوئید آقا در فلان دستگاه فلان مقام برای فلان امر اعمال نفوذ کرده باین ترتیب جقی از دولت یا ملت تضییع شده یا نشده صرفاً بگفته‌ای که تصور میکنم الان هم بعد از انقلاب و در دوره انقلاب و دوره جهش و گسترش کسی باشد که جرأت بکنند خودش اجازه بدهد در دستگاههای دولتی اعمال نفوذ بکند برای اینکه نامشروع بودن امری را مشروع جلوه بدهد و استفاده‌ای ببرد محال است و چنین چیزی وجود ندارد اگر چیزی گفته شده شاید

بر سبیل گفتار بوده و شاید هم بر اساس حکایت یک مسئله‌ای بوده که دانسته و ندانسته عنوان شد.

رئیس - آقای دکتر متین بنده لازم میدانم بگویم استاد دانشگاه حق التدریس می‌گیرد نه پاداش و نه مزایا و مجانی تدریس میکند.

دکتر متین - بنده نگفتم که حق التدریس یا پاداش می‌گیرد بنده نگفتم مثلاً من نمی‌توانم و کالت مجانی بکنم ولی شما میتوانید مجاناً تدریس بکنید بنده گفتم جناب آقای مهندس ریاضی می‌توانند مجاناً هیدرولیک تدریس کنند اما بنده حسن متین نمیتوانم بعنوان وکیل تسخیری بروم عدلیه و از پرونده‌ای مجاناً دفاع کنم. اینجا یک مطلب دیگر راجع به آموزش کارگران و روابط بین کارگر و کارفرما صحبت شد ناطقین قبلی تا حدی باین مطلب پاسخ دادند ولی من میخواهم عرض کنم یکی از معظم‌ترین تشکیلات مملکت بعد از انقلاب تشکیلات کارگری این مملکت است و این تشکیلات کارگری ایران در حد اعلائی روابط صمیمانه بین کارگر و کارفرما به پیش میرود با توجه باینکه منشور انقلاب کارگران را در درآمد کارگاه یا کارخانه سهیم کرده و امروز کارگران یکپارچه و یکدل و یک جهت کمک و مساعد و دوست کارفرما هستند بطور کلی ملاحظه میفرمائید (کورس - کاملاً صحیح است) ملاحظه میفرمائید جناب کاظم کورس که یک کارفرماست و شاید بیش از ۴ هزار نفر کارگر در کارخانه چیت‌سازی ایشان کار می‌کنند بطور کلی در جامعه امروزی و با ارتباطات اجتماعی و اقتصادی که مردم دارند در هر جای دنیا بر روی یک اختلافی بوجود می‌آید گاه‌گداری هم یک سوء تفاهم پیش می‌آید اما بین این کارگر و این کارفرما یک شخص ثالثی و یک تشکیلات ثالثی است یک دستگاه و قانون و مقررات فوق‌العاده محکم و متینی وجود دارد که بر اساس آن مقررات و موازین قانونی اگر اختلافی باشد آن اختلافات حل و فصل می‌شود بنا بر این بایستی بگویم امروزی یکی از افتخارات حزب ایران نوین اینست که توانسته است در حد اعلائی تفاهم روابط کارگران مملکت را که وابسته به حزب ایران نوین هستند با تمام کارفرمایان و کارخانه‌ها بابرابری و تهیه مسکن و تأمین زندگی آنها و

سازمان بیمه‌های اجتماعی و کمک بهداشت عملی بکند و جای هیچگونه ایرادی نیست این مطلب را هم اگر در اینجا باز گوینده‌ای گفت که خالی از حقیقت و صحت است باید عرض کنم که بطور کلی روابط کاملاً و داد و حسنه است و اما در مسئله آموزش کارگران بطور کلی چند روز قبل بنده آقای آزمایش مدیر کارخانجات آزمایش را دیدم آقای دوست عزیز بنده که اینجا نیست آقای اولیاء شیرازی نماینده تهران بنده با ایشان در اهواز راجع به همین مسئله صحبت کردم کارخانجات عظیم آزمایش دستگاه بزرگ آزمایش را بخرج خودش بوجود آورده که از تصدیق ۶ ابتدائی سوم متوسطه و دبیرم متوسطه دوره ۲ ساله فنی را آموزش میدهد این یک کار فرما است که در دستگاه خودش با خرج خودش بوجود آورده است (یکی از نمایندگان این بخش خصوصی است) اما وزیر کار از یک طرف، وزیر آموزش و پرورش قسمت حرفه‌ای از طرف دیگر و بطور کلی بخش خصوصی و فعالیت تشکیلات بی‌گیر حزب ایران نوین این ۵-۶ واحد در مقام این هستند که حتی الامکان مدارس فنی، مدارس حرفه‌ای، انستیتوهای تکنولوژی را در مملکت در حد کمال و افزایش برسانند خوشبختانه در این راه توفیق حاصل کردند ملاحظه میفرمائید در شهر مسقط الرأس بنده یک بازرگان اهل محل که در تهران است دو انستیتو تکنولوژی دومدرسه تکنولوژی در بابل احداث کرده و یکی هم آن دانشکده عالی است که همکار محترم آقای دکتر بهزادی بعرض رسانده و بزودی سه دانشکده از طریق بخش خصوصی که مردم با کمک تشکیلات حزبی در بابل ساختمان کرده اند افتتاح میکنیم (نامور - آقای دکتر متین اگر وزارت کار تصدیق کرد که توصیه سازمان بین‌المللی کار را در مورد افزایش سطح دانش کارگران را انجام داده است بنده فرمایش جنابعالی و توضیحات وزارت کار را قبول میکنم) (مهندس صائی - اجازه بدهید خودشان توضیح بدهند) بله چشم، بنا بر این باید بعرضتان برسانم که آینده بسیار تابناکی در پیش ما است راجع بهمین موضوع برای اینکه ما معتقدیم و با اعتقاد خودمان ایمان داریم و عمل میکنیم که بایستی تا سر حد امکان چه از لحاظ

مادی و چه از لحاظ معنوی و تهیه معلم بجای مدارس متوسطه ای که در مملکت هست و در رشته ریاضی و طبیعی یا ادبی دیپلم ۶ ساله متوسطه بیرون میدهند بعزت کمبود جا و امکانات دیگر میخواهند بدانگاه بروند و در هیچ جای دنیا هم هر کسی که از مدرسه متوسطه بیرون آمده نمیتواند بدانگاه برود حتی در آمریکا با همه امکاناتی که در آنجا از لحاظ وجود دانشگاهها است در بخش خصوصی و دولتی سعی داریم در برنامه آینده برنامه پنجم این آرزو و آمال ملت ایران را از لحاظ ازدیاد و افزایش مدارس حرفه ای که فرزندان مایابیند برون در این مدارس تحصیل بکنند و صاحب فن و حرفه ای بشوند و بنحوی تربیت بشوند که من و شما بسراغ آنها برویم نه آنها بسراغ مایابیند کار بخواهند. این برنامه بسیار عالی و مترقی دولت حزب ایران نوین است این برنامه آینده است این برنامه ۵ ساله آینده است و این مقدمات فراهم شده که فرزندان ما باین شعر و مفهوم آن توجه میکنند که:

برو کار میکنی مگو چیست کار

که سرمایه جاودانی است کار

کار یعنی کار تولیدی، کار شرافتمند، کاری که آدم آقا و نوکر خودش باشد کاری که محصول کارش مورد تقاضای دیگران باشد اینست منطق ما اینست نصب العین ما بنا بر این بایستی برضمان برسانم که این برنامه ما برنامه ای است که در یکروز و دو روز و ۴ روز و ۵ روز نمیشود آنرا پیاده کرد ولی خود حضرت تعالی همینطور که در قسمت اعظم سخنرانی تان دولت ما را تأیید کردید برنامه ها را تأیید کردید و ستودید یکروزی در یک متمم بودجه مملکت در چند سال آینده خواهید گفت که این مسئله آموزش کارگران ما و تربیت فرزندان ما که در جهت تکنولوژی که امروز دنیا محتاج تکنولوژی است بحدی رسیده که نه تنها دنیا را متوجه کرده البته کار انجام شده بلکه از آن مرزی که هستیم و همکاران بشهادت سخنرانان ما، لیدر فراکسیون ما، لویایحی که اینجا مطرح شده یا می شود هیچوقت ما نگفتیم که ما بحد کمال رسیده ایم ما نواقصی در کارمان نیست نخست وزیر محبوب، نخست وزیر خدمتگزار ما در حد

اعلای شهامت در حد اعلای واقعبیت با نطق صحیح گفته است که ما در راه هستیم با سرعت و با همه امکاناتمان پیش میرویم که بدر و از راه طلایی برسیم و این دروازه بسیار بزرگی که تمدن را بسوی ما بحد اعلای نزدیک می کند با تصور که ما امروز در حد اعلای پیشرفت و تمدن هستیم بایستی یک برنامه ۱۰ ساله یا ۱۵ ساله که برنامه طولی المدی هست در جلومان داشته باشیم تا آن برسیم بنده با توجه بمطالبتی که بعرض رسید خیال می کنم که آنچه لازم با واقعبیت و حقیقت در دفاع از لایحه متمم بودجه است بعرض نمایندگان مجلس رسید از نمایندگان محترم اقلیت که همه افراد وطن پرست شاهدوست و دانشمند و خدمتگزار می هستند (صحیح است) و بعریض بنده توجه کردند تشکر می کنم اگر ضمن صحبت خدای نکرده مطلبی گفته باشم که خوش آیند نبوده ولی واقعبیت داشته معذرت می خواهم و استدعا دارم که به آن یادیده بزرگ بینی توجه کنند و بدانند که ما همه سر باز خدمتگزار مملکت هستیم چه اقلیت و چه اکثریت، همه ما تلاش و کوشش می کنیم که کشور ما با کمک شما نمایندگان مجلس در هر جمعی که هستیم و باشیم کاری کنیم که شاهنشاه ارجمند ما از همه ما راضی باشند زیرا رضایت معظم له رضایت ملت ایران است و همانطور که در راه اجرای منویاتشان کوشا هستیم و کاری کنیم که برای همیشه نام نمایندگان دوره انقلاب بعنوان فرزند خلف و خدمتگزار واقعی مملکت در تاریخ ایران تثبیت گردد (احسن).

۴- تصویب صورت جلسه عصر یکشنبه ۲۸ آذرماه

رئیس - راجع به صورت جلسه عصر روز یکشنبه نظری نیست؟ آقای طباطبائی بفرمائید.

عبدالحسین طباطبائی - در متن عریض بنده اشتباهاتی چاپی وجود دارد که میدهم بتند نویسی.

رئیس - اصلاح میشود، آقای نامور بفرمائید.

نامور - در نطق بنده هم اصلاحاتی است که میدهم بتند نویسی.

رئیس - اصلاح می شود، نظر دیگری نیست؟

(اظهاری نشد) صورت جلسه عصر روز یکشنبه تصویب می شود.

۵- ادامه بحث در کلیات گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور

رئیس - آقای فرهاد پور بفرمائید.

فرهاد پور - بنده قصد داشتم بحث در متمم بودجه کل کشور را از خود لایحه و جنبه فنی لایحه شروع کنم و متأسفانه یا خوشبختانه بحث و گفتگوی دوستان عزیز هم مسلکان عزیز من و پاسخهای جوابگویان انحصاری جناح اکثریت چون بنده در صف شما قیافه های مردان فاضل و دانشمندی می شناسم که نمیدانم در طول این چهار سال گذشته یا ۴ سالیکه در پیش داریم چرا از آنها کسی بما جواب نمی دهد؟ شاید انصافشان اجازه چنین جواب گوئی را نمیدهد (عباس میرزائی - در حزب ما وحدت وجود دارد و هیچ فرق نمیکند) امیدوارم این مسئولیت بعهده بکنفر همیشه نباشد ما از ۲۲۹ نفر انتظار استفاده بیشتر از افکار همه آقایان را داریم (دکتر المونی - بنوبه خود) چند روز پیش دردی از مردم تهران را در اینجا مطرح کردیم تعصب حزبی مانع از آن شد که همانطور که عمل کردند در دو کلمه می گفتند که آقا قبول داریم اصلاح میکنیم مدیرهایی که برای این کار هستند شاید برای کارهای دیگر خیلی شایستگی دارند قدرت و آمادگی ندارند تعویض می کنیم آنچنان که دیشب یا پریش در انجمن شهر چنین تعویضی انجام شد نه بنده وقت مجلس را می گرفتم نه آنقدر توضیحات میدادم خیلی هم تشکر میکردم این راه و روش عاقلانه و منطقی بین دو طبقه دو حزب و دو جناحی است که هر دو نفع مملکت میخواهند گام بردارند متأسفانه نه تنها این جاجوابهایی داده شد بلکه در اجتماع خصوصی حزبی شان هم مطالبی گفتند که بنده تندی آن مطالب را متناسب با موقعیت و مکانشان میدانم چون اجتماعشان در محل سازمان جوانان بود طبعاً در صحبتها می بایست کمی جوانی کرده باشند اما دوستان عزیز بما بخش مخالف نام دادند مگر از اقلیت انتظار غیر از این دارید؟ (عباس میرزائی - چرا عصبانی می شوید) بخودتان نگاه کنید که از موافقت کارتان بعشق و عاشقی کشیده (آفرین)

اگر بر دیده عاشق نشینی

بجز خوبی در این دولت نبینی

(عباس میرزائی - به عجب شعری واقفاً روی سعیدی و حافظ را سفید کردید) مدتها برادرتو شعر میگویی بگذار یک دفعه هم ما بگوئیم (عباس میرزائی - من همیشه کارگر بودم و هیچوقت شاعر نبودم) مثل اینکه جز شعر چیزی از شما نشنیده ام (عباس میرزائی - نیامدی کارخانه که کار مراییی) آنها که باید کار کردن مرا ببینند دیدند حتی پشت تریبون تصدیق کردند من جوانی و سلامت خودم را در راه خدمت گذاشتم آقای عباس میرزائی از سوم شهریور ۱۳۲۰ تا امروز شاید اگر بی انصافی نکمی میتوانی تویکی تصدیق کنی که من چه کردم و بین شما هستند مردان وزنا نیکه چه کردند و متأسفانه هستند کسانی که آنها هم چه کرده اند؟ (خنده نمایندگان) ناطقین اکثریت مرا بجای اینکه بی مقدمه وارد مطالبم بشوم و ادار کردند باینکه پاره ای از مطالبشان پاسخگوئی کنم البته با وقت کمی که امشب برای من مانده فقط بهمین پاسخگوئی شاید برسیم و بقیه مطالب ساعات بسیار و وقت بسیار میخواهد. (مصطفوی نائینی - اما بودجه پاسخ گفتن بین و کلاست با باید در بودجه صحبت کرد) از تعلیمی که بمن دادید شما که يك پیراهن از من بیشتر پاره کرده اید پیش کسوتید مورد احترام بنده هستید خیلی متشکرم اینجا ناطقین اکثریت به بیانات دوستان من خواستند جواب بدهند دوست و هم مسلک محترم من که هم بخصوص چند نفری که صحبت کردند سعیشان در این است که عفت کلام را نگاه دارند و با ادب ذکری از اشخاص بکنند اگر بخواهد از طرف شما این عمل حمل به مدیحه سرائی بشود جز اینکه ما را و ادا بکنید پارا از ادب بیرون بگذاریم نتیجه دیگری ندارد جناب صمد نامور هم مسلک محترم من از نقص بیمه های اجتماعی در مورد اصناف صحبت کردند آقای دکتر متین چرا جوابی نفرمودند (رامبد - تغییر جاداده اند) (دکتر متین - اینجا هستم) آقای صمد نامور هم مسلک عزیز من از آلودگی هوا خطری که من و شما و فرزندان ما و سه میلیون مردم تهران را بحکایت نوشته های جراید و تصدیق متخصصین داخلی و خارجی تهدید میکند صحبت

کردند چرا بایشان جوابی گفته نشده مسلك عزيز من از تصادف در راهها صحبت کردند من متأسفم از جناب شهیدی معذرت میخواهم که يك مسئله متألم کننده را مطرح میکنم توی راه قزوین برادر شهیدی ها مدیر کل وزارت دارائی فرماندار قزوین ، خواجه نوری ما آیا مست بودند و تصادف کردند (مصطفوی- ده سال پیش بود) ده سال پیش بود؟ تاریخ میسازید؟ از قضات دادگستری تصادف کردند آنها هم ده سال پیش بود؟ (عباس میرزائی- اما این تقصیر دولت است که آنها تصادف کردند؟) تقصیر بنده است برادر؟ ماداد این را داریم که باین راه باید توجه بشود ناله کردیم میگویم انشاء الله بسازید و ما هم ببینیم و مثل شما بعد از ساخته شدن شکر گزور باشیم پیش پیش شکر میکنم اینجا از فلسفه انقلاب صحبت شد ادعا کردند که حزب ایران نوین فلسفه انقلاب را بر مردم تفهیم کرده است من بضرر قاطع بهمه شما میگویم اگر فرمایشات شاهنشاه اگر مصاحبه ها ، نطق ها و بیانات پادشاه مملکت مان بود و نباشد تمام دستگاههای تبلیغاتی شما متأسفانه در این کار عاجزند (صحیح است) این شخصیت ممتاز پادشاه ایران بود که موجب شد اصالت فلسفه ایران عالم گیر بشود نه دولت شما و حزب شما (صحیح است) شنیدم گاهی بعضی از آقایان يك مسافرت هائی به خارج میروند ولی من میدانم آنجا چاکر میکنند غیر از آن مطلب که باید بکنند زنتاب فرد عزیز من ، این مرد خود ساخته آذربایجانی (صحیح است) از اینکه انکار ندارد؟ این آدمی که در سال ۲۵ آن وقتی که جوان بود بالغ هم بود و نابالغ نبود قلم بدست گرفت فننگ به کول گرفت با قلمش با قدمش با آنچه که از دستش بر می آمد مثل یکی از صدها هزار فرزند آذربایجانی بوظیفه اش عمل کرد متنی بر هیچ کس ندارد زنتاب تو آنچه باید بکنی کردی تو با صفت و ادب و نزاکت آذربایجانی در اینجا از صفات يك نخست وزیر صحبت میکنی این دستاویز دست ناطق اکثریت است بنده هم تصدیق میکنم جناب هویدا مردی هست با سخاوت خدمتگزار ، اغماض کننده و بلند نظر منصف در دوستی و چشم پوش از گناه رفق (چند نفر از نمایندگان- اینطور نیست) ولی همه این صفات خوب را در کار حکومت نباید مداخله داد یعنی حاکم از جیب فوتش می تواند ببخشد حق شخصی اش

را می تواند به بخشد از حق شخصی اش بدو ستش می تواند خانه اش را او تمیلش را امانت بدهد اما در کار حکومت این صفات که متأسفانه یا خوشبختانه در شخص هویدا فوق العاده زیاد است صحیح نیست از اعمال نفوذ در دستگاههای دولتی من خیلی برای شما میتوانم بشمارم امامردی که احترامش بهمه ما واجب است مردی که بمن ریاست میکند و بهمه شما ریاست میکند قبل از صحبت تذکر فرمودند که در مسائل افراد وارد نشوم با احترام ایشان اسم نمی برم ولی در دستگاه دولتی شما اعمال نفوذ هست آقای دکتر منین اگر به صحبت شان مراجعه فرمایند و در اداره تند نویسی به بینند آنطور که من شنیدم فرمودند جلوی او ادوات را گرفتند (یک نفر از نمایندگان - ما شنیدیم) آنهایی که شنیدند با آنهایی که نشنیدند بگویند یا از آنچه در صورت مذاکرات نوشته شده برای سایر آقایان بخوانند متین عزیز متأسفانه به لیست و اردات مملکت ما پتیر ، کره ، نخود و لویسا ، تخم مرغ حتی چیت و گوشت اضافه شده من خیلی متأسفم (اسلامی نید- منکر خشکسالی هستیم همسایه های ما دارند میگیرند از بی غذایی ما پول داریم میتوانیم ملت را در رفاه نگاه داریم) جناب آقای اسلامی نیا البته مرغ آب خورده اند دانه خورده اند تخم هم گذاشته اند من منکر آنچه که میدانم نیستم ولی مجاز بگفتن آنچه که میدانم هم نیستم (اسلامی نیا- تنها حرف زدن که درست نیست خشکسالی را بفرمائید انصاف خوب چیزی است) کدام حرفتان را قبول کنم نماینده وزارت کشور با نمایندگان قانونی با کمیسیون ده نفری که الحمد الله منحل شد بسر دخانه های تهران رفتند توی روزنامه ها نوشتند برای مصرف دو سال پتیر هست حالا بفرمائید گرانی پتیر از چه؟ و پول اضافه اش را کی میخورد اینکه دیگر خشکسالی نیست (اسلامی نید- کجا نوشته؟) روزنامه اطلاعات خیر نگارش اینجاست از ازشیور دیباورید بخوانید (اسلامی نیا- سود بازرگانی را پائین آورد) بلی تمام نقشه این بود که سود را بیاورند پائین ولی باید برای پتیرهای بعد از این سود را آورد پائین نه آن پتیری که در انبار هست

دکتر رئیسی - آقای اسلامی نیا شما میتوانستید

برای خشکسالی صحبت بکنید .

رئیس - آقای دکتر رئیسی آقای اسلامی نیا بگذارید ناطق حرفش را بزند .

فرهادپور - از آنچه آقای اسلامی نیا فرمودند و آنچه در خلال عرایض من بفرمائید شخصاً متشکرم توی روزنامه ایران نوین هم باسم شخص اسلامی نیا درج کنید (اسلامی نیا- احتیاج ندارم شما من را می شناسید ۲۰ سال است که توی این مملکت دارم زحمت می کشم) منکر زحمت جنابعالی نیستیم در تلو عرایض يك پیشنهاد دارم قرار بود که بعداً بگویم حالا عرض میکنم يك قانون از کجا آورده ای توی مجلس تصویب شد من ۹۹ تا را اسم میبرم شما یکی را بفرمائید من شخصاً پیشنهاد میکنم ۹۹ نفر را من میگویم یکی هم خود من میشود هزار تا این هزار تا را دولت برسد (یک نفر از نمایندگان - شما که اول فرمودید ۹۹ تا) خواستم زیاد تر رسید اگر هزار تا بگویم شامل اشخاص زیادی میشود این قانون را دارید آقای قوام صدی یا ندارید .

قوام صدی - هست .

فرهادپور - هیچ رسیدگی شده بيك دانه اش رسیدگی کردید یا نکردید (قوام صدی - در مواردی رسیدگی شد) همه درست بودند؟ بهر حال يك نطلب دوستان عزیز برای همیشه بین ما و شما باید حل بشود فرق است بین کارنامه مملکت که مربوط است برهبری مملکت بشاهنشاه و مردم مملکت که شما و من هم قاطعاً هستیم کارنامه دولت ، من و شما همه در کارنامه مملکت در پیشرفتهای عظیم و محیر العقول در مسائل اجتماعی ، سیاسی ، صنعتی متفق القولیم شما خیال میکنید اگر روی کار نبودید ذوب آهنی ساخته نمیشد یکی تان بگوئید نه ، اگر غیر از شما دولت دیگری در کار بود میتوانست امراش را اطاعت نکند و نسازد بنابراین ذوب آهنی ساخته میشد لوله گاز کشیده میشد سیاست خارجی مملکت چون رهبری اش با شخص شاهنشاه است به همین پایه میرسد انقلاب اجتماعی ، بافت ها و شرایط اجتماعی ، را عوض کرده سنگ ها از جلوی پا برداشته شده ملتی اسیر آزاد شده کار سی میلیون مردم نتیجه ای است که ما از انقلاب خود میگیریم

این را هیچکس حق ندارد توی همبونه خودش بگذارد بگوید مال من است این کار مربوط به سی میلیون افراد این مملکت است (احسن) دادفرالموتی هم قاطی آن سی میلیون هستند همه سهم دارند انحصار طلب نباشید من نخواستم آنچه که جناب متین در میان حرف من گفت تکرار کنم چون ممکن است يك ناطق حرفی از دهانش بیرون آید .

عباس میرزائی - همبونه چه ؟

فرهادپور - شما که کار کردید بهتر میدانید (دکتر الموتی- این کار در زمان این دولت و با هدایت شاهنشاه انجام گرفته) به این شانس که دولت هویدا دارد در موقعی مسئولیت اداره مملکت با و محول شده است و فرمان داده شده است که مملکت جزیره ایست ثبات و آرامش و امنیت و خزینه است پر پول پولهایش هم آقای عباس میرزائی بیشترش دلار است ما توانستیم از نفت تا حدامکان حقوقی را که داشتیم با رهبری صحیح وصول کنیم باین خزانه بریزیم و بصرف برنامه برسد و امروز هم با هم بگوئیم خدارا شاکریم که رهبری دانشمند با تدبیر با اراده امکانات فراهم کرده و همه ما ۳۰ میلیون ملت ایران برهبری ایشان گام هائی تند و سریع در جهت جبران عقب افتادگیهای گذشته برداشته ایم (آفرین) این عبارت هم منکر ندارد اقلیت و اکثریتی ندارد همه درش متفق القولند حتی می خواهم بشما بگویم در خارج از ایران هر کس جوی از انصاف در وجودش باشد نمیتواند منکر این حقیقت باشد اما کارنامه دولت در عصر حاضر ، خوشبختانه مشروطیت ما در طول ۶۵ شش سال از وجود احراب سیاسی و روی کار آمدن دولتهای حزبی که شرط اصلی و اساسی يك سیستم دموکراسی مشروطه است در گذشته محروم بوده احرابی تشکیل شده خیلی ها بقصد خدمت و بعضی ها بقصد خیانت با تعدادی افراد ایرانی و بر احساس معدودی با انگشت بیگانه و سیاست خارجی ، این احزاب بعضی پیدایشان بدلیل پیدایش حزب مقابل بنود شما آقای عباس میرزائی سالهای ۲۰ تا ۳۲ را بیاد دارید صحنه هائی که در تهران میگذاشت بیاد دارید چند روز پیش سالگرد ۲۱ آذر روز نجات آذربایجان بود بیاد دارید

آقایان آذربایجانها که سستان اقتضا دارد آنچه در آذربایجان در آذر ۲۴ گذشت بیاد دارید جوانهای این مملکت بدون توقع و پاداش مثل همیشه روی وظیفه سینه‌شان را سپر کردند مبارزه کردند برای مبارزات مرکز جمعی انتخاب کردند از قدرت دولت روز استفاده کردند حزب دموکرات ایران را تشکیل دادند دلم می‌خواست جناب آقای قراچورلو تشریف داشتند جناب پوربابائی هست خیلی از آقایان بودند و هستند روزگاری که خیلی هادرتیریزه بشور و رسول صلح بین دودسته بودند خیلی‌ها بآتش این نابسامانی دامن میزدند جوانهای ماتوی این خیابان فردوسی با سرسپردگان رضا روستا دست بگیران بودند سروکله شکست آقای دکتر الموتی عضویت حزب دموکرات ایران ننگ نیست شخصیت‌های بزرگی که مورد احترام شما هستند توی آن حزب بودند (دکتر الموتی - منکر نیستیم) جناب آقای دکتر اقبال بودند شخصیت‌های وطن پرست دیگری هم بودند که خدمتگزار شاه مملکت بودند و هستند آنها که زنده‌اند و یک چیز بشما بگویم همین حزب دموکرات ایران که من عضو بودم و عضو بودیم چون متکی بقدرت دولت بود باسقوط دولت کم کم ذوب شد و این سرنوشت هر حزبی است که بقدرت دولت متکی باشد (احسنت) ما برای رهبری مملکتان تحت لوای شاهنشاه برای تکمیل دموکراسی لازم میدانیم محتاجیم بایجاد احزاب وطن پرست اصیل که روی پای خود بایستند ما ایستادیم و شما هم انشاء الله بایستید اما یک اصل را توجه داشته باشید روزی شما می‌توانید ادعای این واقعت را بکنید که بدون انکاء بقدرت دولت انشاء الله روی پای خود بایستید این را بعنوان دویست عرض میکنم در اکثر شهرستانها اکثر رؤسای ادارات دولتی عضو کمیته شهرستان شما هستند (دکتر دادفر - مگر کارمند دولت از حقوق سیاسی محروم است) بهیچ وجه یک حزب سیاسی اصیل با برجا نمیتواند بمدریت رؤسای دولتی که اولاً هر روز وساعت قابل تغییر مأموریت هستند ثانیاً از امکانات آنها که وسعت فکر شما را آقای دکتر دادفر ندارند از امکانات و قدرت دولت برای شما حزبی میسازند آماری بخدا (دکتر الموتی - شما که بکار حزب ایران

وصول می‌کند چه مبلغ وصول کرده و به چه مصرف رسیده این حرف چیست که میزید و کشاورز را ناراضی میکنید، این که میگوئید برای خانه‌های فرهنگ روستائی است یا حق عضویت درست در موقعی که میخواهید بدهید **عباس میرزائی** - باید برای خانه‌های فرهنگ روستائی که علاقه دارد بردارد.

دکتر زعفرانلو - هفتاد درصد حق عضویت ها برای توسعه و خرید وسایل خانه‌های فرهنگ روستائی همان شهرستان پرداخت و مصرف میشود.

فرهادپور - مجبور است یا علاقه دارد اگر کسی نخواست بپردازد آزاد است یا نه چند تا شکایت بی‌اوم که بزور گرفته‌اند (دکتر عدل - در بودجه صحبت میکنید یا درباره حزب) بودجه و حزب وقتی شش تومان تویش آمد میشود پول شش تومان حق عضویت در سال بمیل و رغبت شما هم جناب آقای عدل باین اصل معتقدید (عباس میرزائی - اگر می‌خواهی روش تشکیلاتی کشاورزی و روستاها را برای حزب مردم یا دیگری شرطش این است که بیانی به حزب ایران نوین) عباس میرزائی عزیز تو یکی لااقل میدانی آن روزی که بچه‌های دیگر بلند نبودند ما بهشان یاد میدادیم گفت بودم آن روز من از طایفه درد کشان کجا بودند این آقایان که میخواهند بما یاد بدهند تو که لااقل قبول داری که نبودند (خطاب به آقای عباس میرزائی) یکی از اصول اساسی انقلاب سفید ایران اصل سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات است این اصل معرف آن است که پادشاه مملکت ما رهبر خردمند ما آنطور که در کتاب مأموریت برای وطن میفرمایند و برای شما خوانده بودند از دوره ولایت مهدی آنچه که بدلیل عقب ماندگی‌های گذشته درد و الم اجتماعی بود و میدیدند متأثر و متأسف بودند وزارت کار و امور اجتماعی بامر مبارک شاهانه درست در روزگاری که از ساده دلی کارگر آن روز بعضیها از عمال مخرب بیگانه میخواستند استفاده کنند و از آنها قدرت ضدایرانی بوجود آوردند تاسیس شد آقای دکتر مهدوی شما میدانید که این وزارتخانه تاسیس شد برای حفظ و حمایت حقوق کارگران شما میگوئید دستگاه تبلیغاتی شما تفهیم کرده؟ بعد از ۲۵ میل دیشب

توی روزنامه میخوانیم کارگران با حقوق خود آشنا شوید مطلب عالی تری برای شما بخوانم بکروزی. برای شما اساتید فن من بدون تیر و عنوان (دکتر دادفر - شما استادید) من شاگرد شما هستم مسئله سندیکالیزم را عنوان کردم به بیان خیلی ساده که آقا سندیکای کارگری بموجب قانون تشکیل میشود برای یک سلسله از اموری که حقوق حقه قانونی این افراد از این راه نه بصورت پراکنده بصورت نماینده عنوان شود وزارت کار هم حکم باشد حاکم باشد حافظ حقوق اینها باشد بتواند سلامت جامعه کارگری رو بصنعتی شدن ایران را حفظ کند این کارها بموجب قانون کار بهیچوجه موظف و مجبور بقبول عضویت سندیکا نیستند حتی موظف بقبول و عضویت در یک حزب نیستند این فلسفه‌ای دارد چون از این کارگر سلب آزادی فردی که نشده این کارگر از نظر شخصی حق حداعلای استفاده از آزادی را دارد و بمیل و اراده خودش میتواند عضویت هر یک از احزاب قانونی مملکت را قبول کند این یک اصل است بهمین دلیل در پایان این قانون نوشته شده سندیکاها اتحادیه‌ها و کفدراسیونها حق دخالت در امور سیاسی را ندارند و فقط در مواقع حفظ منافع حرفه‌ای و اقتصادی خود میتواند نسبت به احزاب سیاسی اظهار تمایل یا همکاری کند (بدرامی - این اصلاح شده باین صورت که میتواند وابسته باشند و میتواند عضو سندیکا بشود ولی تابع قرارداد است) بنده از هیچ مطلبی که در جهت حفظ منافع و حقوق حقه و منافع طبقه کارگر باشد خود شما میدانید کوتاهی ندارم از سندیکاش باید تبعیت کند از تصمیماتی که سندیکا در جهت حفظ حقوق او میگیرد باید تبعیت کند نه از تصمیمات سندیکا برای بست و بند با حزب مردم یا حزب ایران نوین (عباس میرزائی - طبق قانون و اصلاحیه‌ای که آمده سندیکا میتواند با احزاب سیاسی وابسته شود) چه تاریخی؟ (عباس میرزائی - دوره ۲۱) خوشبختانه از نظر شما و متأسفانه از نظر من چون اگر همان روز بودم این تذکر را میدادم و لولاینکه اکثریت عددی شرط است مثلاً الآن شب است اگر آقای دکتر الموتی بلند شود و بگوید الآن روز است شما دسته جمعی بلند میشوید و میشود قانون الحمدالله

نوین وارد هستید) لااقل در قزوین که وارد هستم - در قزوین کمیته حزب ایران نوین (دکتر الموتی - یاسوج را بفرمائید) عرض میکنم کمیته‌ایست از بازماندگان حزب میلیون باضافه یک عضو اخراج شده حزب مردم (یکی از نمایندگان - اخراج شده یا استعفا داده) اخراج شده چون کاندیدش نکردیم (دکتر الموتی - بله سالها رئیس کمیته مردم بود آنوقت فتودال نبود) نصیحت دوم اینکه از استفاده از رؤسای ادارات دولتی برای تشکیل کمیته‌های شهرستان بپرهیزید مرد فهمیده جامعه‌شناس مثل مهندس معینی نشسته میدانند چه میگویم (عباس میرزائی - سعدی میگوید - تو حساب خوبش کن نه حساب خلق - که بضاعت قیامت عمل تباه دارد) دوست عزیز تو که قرآن بدین نمط خوانی - بهر حال هزاران ورقه اینطور توی حزب ما است بالایش درست نوشته حزب ایران نوین قبض رسید حق عضویت سازمان کشاورزان ایران بلی کشاورز در سخت‌ترین دقیقه زندگیش یعنی دقیقه‌ای که می‌خواهد قرض بگیردشش تومان بزی حزب شما از او میگیرند.

دکتر زعفرانلو - حق عضویت است و خودشان میپردازند.

عباس میرزائی - برای خانه‌های فرهنگ روستائی است.

فرهادپور - خیلی خوشحال میشدم اگر بالای این ورقه نوشته شده بود فرهنگ روستائی و آنهم نه منحصر به کشاورزان حزب ایران نوین، آنگونه که بچه‌های کارگر حزب ایران نوین که از بخشودگی شهر به استفاده میکنند و فرزندان کارگران دیگر در این مملکت حتی ندارند میدانند این مبلغ بطوری بر میگردد به خانه فرهنگ این نامه‌ایست از کمیته استان مرکز عطف بنامه شماره ۶۳ مبلغ ۵۰ هزار ریال دردو فقره جهت کمک به کمیته‌های حزب در قزوین ارسال شد.

دکتر زعفرانلو - این حق عضویت از اعضاء ۷۳۰ شرکت تعاونی روستائی که اعضاء آن وابستگی خود را کتباً بسازمان کشاورزان وابسته بحزب ایران نوین اعلام کردند وصول میگردد و بمیل و رغبت میپردازند.

فرهادپور - من در پایان عرایضم استدعا میکنم یک صورتی بمابدهید بانک کشاورزی یا بانک تعاون کشاورزی که آن را

که الموتی نمیگوید و الا شما بامیشدید (یک نفر از نمایندگان هیچ اینطور نیست) میگوید نه یکبار امتحان کنید شما تمهید این مسئله را بکنید که اگر خدای نکرده گناه که نیست شاید يك دفعه اشتباه کرد آيا ميتوانيد پانشويد (همه نمايندگان) يكبار سال گذشته من از انضباط حزبی اکثریت صحت کردم ۲۲۹ نفرید (مهندس صائبي - ماشاء الله) اما حالا نابلورا نگاه کنید، وجود ساحزب مردمی ها در مجلس چند نفر است؟ (دکتر الموتی - ۱۴۱ نفر اما صورت جلسات مجلس را نگاه کنید به بیند از ۳۷ نفر دوستان اغلب بیست نفر نیستند اشکال ندارد و ممکن است مسافرت باشند) در موارد انضباطی من خودم تمام بحتم سراین بود که شما از منطق دفاع کنید حرف نا حساب را رد کنید و توی دهشت هم بزنید انتقاد کنید آنچه مسلم است تحت رهبری شاهنشاه عظیم الشان مادوران احزاب به آن صورت که عرض کردم تمام شد از ظهر ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مملکت در راهی افتاد که ۳۰ میلیون ملت ایران بدنبال پادشاه خودشان این راه را تا امروز پیموده اند از آنجا شروع کرده اند که در کل خزانه شاید هزار تومان بیشتر نبود و با پنجا رسیدند که بودجه ۴۸۰ میلیارد ریالی را میاورند و به اختیار شما میگذارند در مقابلش ما از شما کار و مسئولیت میخواهیم يك تفاوت باید باشد بین آنچه که امروز هست بخصوص از سالهای بعد از انقلاب ششم بهمن با آنچه در گذشته بود من همه دولت های گذشته را يك چوب نمی رانم تویشان مردم خدمتگذار وطن پرست شاه دوست ایران دوست زیاد بود شرایط اجتماعی ایران آثار سیستم فئودالی، رابطه ارباب و رعیتی نفوذهای محلی سیاست های ستون پنجم بیگانگان همه اینها و نبودن امکان ایجاد احزاب ملی و طبیعی قانونی صدر صد و وطن پرست موجب این بود که دولت های گذشته به مصلحت روز از تعدادی افراد تشکیل شود این دولت ها اگر همکاری همفکری برنامه مشترک زیاد نمیداشتند ماجای ایرادی نداریم ضررش را کشیدیم خوشبختانه گذشته ولی امروز که دولت دولت حزبی است اولاً بایستی نمونه کامل کار دسته جمعی باشد (دکتر دادفر - هست) انشاء الله و چون دولت، دولت حزبی است معمولاً برنامه

دولت برنامه حزب است حالا این عوض شده برنامه حزب برنامه دولت است و این یکی از معجزات حزب ایران نوین است روزنامه تان فرمایشات دبیر کل را بخوانید حق هم هست چون هنوز بان پایه از انجام و رشد فکری نرسیده اید که شما برنامه بدهید دولت باید راهنمایی و هدایتان کند (عباس میرزائی - شماروزنامه های حزبی را اگر میخواندید کمیته های تخصصی هستند که برنامه میدهند) این کمیته های تخصصی چهار سال پیش لزوم تجزیه وزارت کشاورزی با اصول علمی را تجویز کردند سخنرانان شما مثل دکتر متین که واقفاً حتی صدایش احتیاج به میکروفون ندارد از پشت این تریبون از تجزیه وزارت کشاورزی دفاع کردند شما عرایض مختصر و خلصتان را در صورت مذاکرات عنایتی بفرمائید به بیند چقدر ماناله کردیم و از این تفرقه مسئولیت و سرگیجه مردم در مراجعه دستگاه ها که باید جواب بدهند خوشحالیم بعد از ۴ سال که اول گفتیم ولج کردید و گوش نکردید همه اراضی جنگلهای شمال را تمام کردید و شهرها زیر شن رفت پولها را بدور ریختید حالا میاید سر حرف اول ...

دکتر الموتی - در تجزیه وزارت تولیدات کشاورزی شما رأی موافق دادید و این دفعه هم سکوت کردید.

فرهاد پور - جناب الموتی بجان عزیزت اگر پیشنهادات اصولی ما را در لایحه ادغام وزارت کشاورزی و منابع طبیعی در کمیسیون بسالنجازی رد نکنید بساین لایحه تان هم که در جهت حرف چهار سال پیش ما است رأی خواهیم داد ولی شما که حرف حساب را توی کمیسیون زیر بار نمیروید در هر حال چه برنامه را حزب یا دولت طرح کند معنا یکی است برنامه از نظر مورد عبارتست از يك هدف امکانات پیش بینی زمان برای رسیدن بان برنامه خانم وزیر آموزش و پرورش تشریف ندارند از معاون محترمشان اگر جناب قوام صدوری اجازه بفرمائید بنده استدعا دارم شما که دولت آمار و اعداد و ارقام رشد جمعیت را میدانید ارقام دقیق هم میدید پیش بینی هایتان برای اینکه اطفال واجب التعليم این

مملکت در روز معین بسر کلاسها بروند چیست؟ خداسایه بلند پایه شاهنشاه را از سرما کم نکند (انشاء الله) خداوند افتخارات کورش کبیر را همیشه در صفحات تاریخ جهان با تلو نگو نگه دارد (برنامه جشن موجب این شد که ۴ هزار

مدرس ساخته شود اگر چنین برنامه عظیمی در پیش نبود و برنامه جشن نبود آیا وزارت آموزش و پرورش خودش را آماده برای این کار کرده بود؟ چنین طرحی را داده بود؟ و البته تا هروقت وزارت آموزش و پرورش بسا برنامه صحیح برای تأمین احتیاج همه مردم طرحی عنوان نکند یا بیگاه شاهانه تقدیم بکنند مثل همه مشکلات شما بشما راه حلی ارائه خواهند فرمود شما مثل اینکه پارسال در کمیسیون بودجه تشریف نداشتید ولی آقای دکتر یزدان پناه بودند (دکتر یزدان پناه - لابد!) خوشوقتیم از اینکه هستید برای اینکه خوشبختانه بدون نظاره منی گویم از معلومات و اطلاعات شما بدون نظاره عرض می کنم در بودجه استفاده می کنیم (صحیح است) **دکتر یزدان پناه** - تشکر میکنم.

فرهاد پور - بودجه آموزش و پرورش های منطقه ای آوردند، قزوین چند نفر جمعیت دارد آقای دکتر الموتی؟ از تعداد نمایندگانش باید بیش از ۴۰۰ هزار نفر باشند خیلی معذرت می خواهم اگر روی سخن با ایشان بود بهیچوجه قصد خاصی ندارم نمیخواستم مطلبی گفته باشم که وارد نباشم (یک نفر از نمایندگان - از یاسوج هم بفرمائید) از یاسوج هم حضورتان عرض می کنم آنوقت روی سخن با آقای دکتر زعفرانلو است ۴۰۰ و کسری هزار جمعیت قزوین بودجه آموزش و پرورش منطقه ایش $\frac{1}{2}$ اعتبارات کرج است در کمیسیون استدلال کردند که ما در کرج تورم افراد رتبه بالا داریم آنها را کی آورده؟ غیر از اینکه خودتان آورده اید مگر بیم و وحشت دارید که يك آدمی بیکار را در کرج نگه می دارید و حقوق میدید. آنوقت مدارس بوئین زهرا آقای ایمان زهرائی معلم نداشته باشد.

ایمان زهرائی - آمار بسیار دقیقی داریم بنده بوقت خود توضیح میدهم. **فرهاد پور** - تشکر میکنم بنابراین برنامه یعنی

باید از يك مبدأ زمانی کاری شروع شود و در يك مقطع زمانی مشخص هدف انجام شود هر وقت وزارت آموزش و پرورش يك چنین برنامه ای بمن ارائه کرد بنده آنها را در کار خود موفق میدانم.

دکتر الموتی - آقای فرهاد پور رأی موافق خودتان را راجع به تجزیه وزارت کشاورزی در صورت جلسه میخواهید ببینید؟ **فرهاد پور** - گاهی اوقات توضیحات متخصصینی امثال جناب عالی ما را هم اغفال میکند (خنده نمایندگان) شما نطق هایتان قبل از رأی را بخوانید توضیحات و وعده هایتان را بخوانید برنامه ها و هدف هایتان را بخوانید ما ناگزیر به آن هدف های رأی دادیم بعد هم آمدیم یکی یکی ناله کردیم شما هم گوش نکردید.

عباس میرزائی - ولی شما همیشه خندانید. **فرهاد پور** - گاهی هم از دست شما ها ناله میکنیم.

عباس میرزائی - دکتر عدل را میفرستیم معالجه تان کند! (خنده نمایندگان).

فرهاد پور - ما از برکت وجود پیرادر عزیز گرانقدر ایشان مستفیض هستیم ایشان مال شما باشند. برنامه آموزش و پرورش یعنی رسیدگی به آمار پیش بینی احتیاجات تربیت معلم و آموزگار آقایان یادتان نرود هنوز هم که هنوز است متجاوز از ۶۰ درصد مردم این مملکت در روستاها زندگی میکنند شما اینها را موقع تعلیم بی معلم میگذارید بعد از اینکه بزرگ شدند مبارزه بایسواد می کنید.

مصطفوی نائینی - بخدای ایران خور و بیابانک همه کلانشایش معلم دارد.

فرهاد پور - در صورت مذاکرات بنویسید خورو بیابانک آقای مصطفوی نائینی معلمش کافی است (همه نمایندگان) معلوم شد در حوزه انتخابیه آقایان اکثریت معلم باندازه کافی دارند فقط اقلیت از این بابت ناله دارند.

مصطفوی - جائی را که اسم بردم بدترین نقطه مملکت است اگر در جائی از مملکت معلم ندارند متأسفانه

و کبیش خواست مردمش را بگوش اولیای دولت نرسانده
است .

۶- تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - آقای فرهادپور میخواهید راجع به بهداشت
صحبت بفرمائید؟

فرهادپور - بنده هنوز بسیاری از مطالبم را عرض
نکرده ام . *

رئیس - اجازه فرمائید بقیه صحبت شما به جلسه
بعد موکول گردد . با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را
ختم می کنیم جلسه بعد ساعت ۹ صبح فردا موکول
میشود دستوربحث در کلیات گزارش یکشوری کمیسیون
بودجه راجع به متمم بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور میباشد .

(جلسه ساعت ۸ بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - **بهداشت ریاضی**

فرهاد پور - چه غم دیوارامت را که دارد چون تو
پشتیمان .

دکتر رئیس - چه فرمایشی است میکنند، خودشان
گفتند معلم نداریم .

فرهادپور - بنده چون بهیچوجه بخودم اجازه
نمیدهم در فرمایشات همکاران محترم شك و تردید کنم
از اینکه میفرمایند در حوزه انتخابیه آنها معلم بمقدار کافی
هست و آقای حی هم دستش را تکان میدهد احساس
غرور میکنم پس آقای دکتر بطحائی وظیفه شما خیلی
سبک شد ، تعدادما ۳۷ نفر است به تعداد معدودی معلم
نیازمندیم و این تعداد معدود نه ناراحتی دارد نه مشکل است